

فصلنامه راهبرد سیاسی
سال سوم، شماره ۸، بهار ۱۳۹۸
صفحات: ۶۳-۲۳
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۳؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۱/۲۷

نگاه فقهی امام خمینی (ره) به روابط بین الملل

دکتر سید محمد ساداتی نژاد* / احسان جعفری فر** / سید علی ساداتی نژاد***

چکیده

در این پژوهش، با استفاده از روش شناسی اجتهادی، متون فقهی امام خمینی (ره) مورد بررسی قرار گرفت و تلاش شد تا نگاه فقهی امام خمینی (ره) به روابط بین الملل استخراج گردد. بر این اساس، نگاه فقهی این فقیه بزرگ در قالب انسان شناسی، هستی شناسی، معرفت شناسی و روش شناسی مورد بررسی قرار گرفت و نهایتاً فرضیه این پژوهش مبنی بر اینکه نگاه فقهی امام خمینی (ره) به روابط بین الملل نیز همچون فقهاء قبل از خود مبتنی بر تقسیم بندی عقیدتی اسلام و کفر حربی می باشد، مورد تأیید قرار گرفت. در عین حال، مشخص شد که با توجه به شرایط جدید بین المللی، امام خمینی (ره) ضمن تأیید مفهوم ملت- دولت به عنوان یکی از عناصر اصلی بازیگر روابط بین الملل، با نفی ناسیونالیسم و طرح مفهوم وحدت شیعه و سنی و مفهوم امت واحده اسلامی، تلاش نموده تا چالش وارده به مفهوم دار الاسلام را بر طرف نماید. ایشان همچنین با طرح بحث نفی سلطه و سلطه پذیری از کافران، اعتلای اسلام، استکبار ستیزی و استعمار ستیزی و دشمنی با آمریکا و رژیم صهیونیستی تلاش نمود تا مفهوم دار الحرب را نیز بازسازی و در شکل نوین و جدید آن ارائه نماید.

کلید واژه‌ها

روابط بین الملل، فقه، امام خمینی، مبانی و اصول.

Sadatinejad@yahoo.com

* پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

** دانش آموخته کارشناس ارشد روابط بین الملل دانشگاه مفید، قم، ایران

*** پژوهشگر ارشد دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران

مقدمه

دغدغه اصلی و مورد نظر نگارنده برای انجام این پژوهش، تلاش در جهت تبیین نگاه فقه شیعه به روابط بین‌الملل است. به عبارتی موضوع اصلی این پژوهش فقه روابط بین‌الملل است نه علم روابط بین‌الملل و نگارنده در تلاش است تا به جستجوی روابط بین‌الملل در فقه امام خمینی(ره) و استخراج نگاه فقهی وی به روابط بین‌الملل بپردازد. از آنجا که بررسی روابط بین‌الملل در فقه نیاز به دانش تخصصی فقهی دارد، این موضوع موردعلاقه و دغدغه هر محقق نبوده و به همین دلیل گرچه فعالیت‌های پژوهشی زیادی در زمینه روابط بین‌الملل و روابط بین‌الملل از دیدگاه اسلام صورت گرفته است، اما به ضرس قاطع باید گفت تعداد آثار نوشته شده در حوزه فقه روابط بین‌الملل از تعداد انگشت‌های دست نیز کمتر است و نیاز است تا کارهای تحقیقاتی متعدد و فراوانی در این زمینه صورت پذیرد.

نگاه کلی و اجمالی به آثار فقها مشخص می‌کند هنوز فاصله زیادی تا شکل‌گیری فقه روابط بین‌الملل وجود دارد و این‌گونه نیست که فقها به‌روشنی در آثار به خود به مباحث روابط بین‌الملل پرداخته باشند و یا اینکه کتابی تحت عنوان فقه روابط بین‌الملل داشته باشند. (به‌جز فقیه عالی‌قدر آیت‌الله جوادی آملی که اقدام به نگاشتن کتابی در خصوص روابط بین‌الملل در اسلام نموده است). این مسئله مشکلاتی را پیش روی تحقیق ایجاد می‌کند و زمان زیادی را از محقق می‌گیرد تا به کشف و استخراج این نظرات در لابه‌لای آثار فقهی فقها بپردازد.

اهمیت این کار پژوهشی از آنجا بیشتر احساس و نمایان می‌شود که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان یک نظام مردم‌سالار دینی و مبتنی بر اسلام در ایران مستقر گردید و خواستار ایجاد شکل جدیدی از روابط میان ملت‌ها بر اساس عدالت و پرهیز از سلطه‌گری و سلطه‌پذیری شد و با توجه به دینی و اسلامی بودن آن، ارزش‌های جدیدی را در روابط بین‌الملل مطرح کرد که عمدتاً برگرفته از منابع اصیل اسلامی بود (ابراهیمی ۱۳۸۹: ۱۷) چنین نظامی، با توجه به دینی و مذهبی بودنش، نقش بی‌بدیل فقه را در سیستم حکومتی و جنبه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی آن برجسته می‌کند. در یک نظام دینی، نقش فقه و فقها و کسانی که بیشترین آشنایی را با منابع اسلامی دارند، به‌منظور تفسیر متونی دینی و استخراج احکام فقهی نسبت به مسائل و حوادث جدید،

مهم و کلیدی است و عدم توجه کافی به نظرات فقهی نسبت به مسائل جدید با توجه به دینی بودن نظام جمهوری اسلامی، نه تنها کمکی به تدوین و استخراج نگاه اسلامی به مسائل مختلف نخواهد کرد بلکه موجب انحراف و شکل‌گیری افکار و اندیشه‌های التقاطی خواهد شد.

امام خمینی(ره) اولین فقیهی است که موفق به تأسیس حکومت اسلامی گردید و مطالب قابل‌توجهی را در زمینه روابط بین‌الملل در فقه و سیره سیاسی خود مطرح نموده که نیاز به بررسی و استخراج نگاه فقهی ایشان دارد. با توجه به اهمیت دوره انقلاب اسلامی و جایگاه امام خمینی، در این پژوهش تصمیم گرفته‌شده تا به بررسی نگاه فقهی امام خمینی(ره) به روابط بین‌الملل پرداخته شود. بررسی متون فقهی نشان می‌دهد که فقها شیعه، سه نوع تألیف فقهی دارند: ۱- آثار فقه روایی ۲- آثار فقه استدلالی ۳- آثار فقه فتوایی (آخوند خراسانی، مجموعه آثار، فقه فتوایی ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۹-۲۱) و از میان این سه دسته تألیف، آنچه مورد نظر این پژوهش است، بیشتر آثار فقه استدلالی و فقه فتوایی است. بنابراین قلمرو متنی، این پژوهش، متون فقهی و آثار فقهی فقها است اما در راستای تکمیل مباحث و دستیابی به شناخت کامل‌تر از آراء و نظرات فقها و نيات آن‌ها، آثار مکتوب، بیانات، نامه‌ها، اعلامیه‌ها و سخنرانی‌ها نیز مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد.

فقه روابط بین‌الملل امام خمینی

دوره فقهی که امام خمینی(ره) به آن تعلق دارد را می‌توان دوره انقلاب اسلامی نامید. این دوره، از ۱۵ خرداد سال ۴۲ که حرکت انقلابی امام خمینی(ره) به‌طور رسمی آغاز گردید تا زمان حال را دربرمی‌گیرد. ویژگی برجسته این دوره آن است که امام خمینی، بحث ولایت فقیه و لزوم تأسیس حکومت اسلامی توسط فقها را مطرح نمود. فقه سیاسی دوره انقلاب اسلامی را می‌توان فقه دوره تصدی‌گری امور حکومتی توسط فقها نیز نامید. علت روی آوردن فقهای دوره انقلاب اسلامی به تصدی‌گری امور حکومتی، بهره‌مندی از تجربه دوران مشروطه و انقلاب نهضت ملی شدن نفت بود. فقهای این دوره با مطالعه تحولات دوران مشروطه که در نهایت به انحراف کشیده شد و با اعدام شیخ فضل‌الله نوری همراه شد و با مطالعه تحولات دوران نهضت ملی شدن نفت و خانه‌نشینی شدن آیت‌الله کاشانی و نهایتاً کودتا علیه دولت دکتر مصدق، چاره مقابله با دخالت بیگانگان در ایران و قطع وابستگی و اجرای احکام اسلامی را در این دیدند که

فقها خود به‌عنوان نواب عام امام معصوم و کسانی که بیشترین صلاحیت را برای اداره جامعه دارند، به‌صورت مستقیم تشکیل حکومت دهند. بر همین اساس، فقها به اندیشه تصدی‌گری امور حکومتی روی آورده و نهایتاً موفق به پیاده کردن این مدل از حکومت شدند.

بررسی دوران امام خمینی(ره) با روش اجتهادی

با بررسی دوران امام خمینی (ره) می‌توان به روش اجتهادی ایشان پی برد که در ادامه مورد توجه قرار می‌گیرد:

الف- بررسی شرایط بین‌المللی دوران امام خمینی(ره) با توجه به اوضاع تاریخی امام خمینی(ره) در سال ۱۹۰۲ میلادی متولد و در سال ۱۹۸۹ دار فانی را وداع گفت. دوران زندگی امام خمینی(ره) مصادف با قرن بیستم و دو جنگ جهانی بود. دوازده‌سالگی امام خمینی(ره) هم‌زمان با جنگ جهانی اول بود. امام در یادداشتی بیان می‌کند که در کودکی اشغال ایران را لمس کرده بود(خمینی، مجموعه آثار، زندگی‌نامه: ۲۱). امام ۲۳ ساله بود که سقوط سلسله قاجار و روی کار آمدن رضاخان و تأسیس پهلوی را شاهد بود. بخش دیگری از زندگی امام خمینی(ره) نیز در سال‌های شهریور ۲۰ و اشغال ایران توسط قوای متفقین و سقوط رضاخان، هم‌زمان با جنگ جهانی دوم بود. در این زمان، امام خمینی(ره) ۴۲ سال داشت و با دقت تحولات را پیگیری می‌کرد. کودتای مصدق، انقلاب سال ۴۲ و قیام ۱۵ خرداد و پس‌از آن ۱۵ سال تبعید در عراق، همگی موجب شد تا امام از نزدیک نقش قدرت‌های استعمارگر و اروپایی و دست آن‌ها را در مشکلات کشورهای اسلامی ببیند و لمس کند. دوران زندگی امام خمینی، مصادف بود با ظهور آمریکا به‌عنوان یک قدرت بزرگ جهانی به‌ویژه پس از جنگ جهانی اول و تضعیف اروپا و پس از جنگ جهانی دوم نیز قدرت بزرگ دیگری به عرصه جهانی اضافه شد و آن اتحاد جماهیر شوروی بود. از نظر بین‌المللی، دوران جدید به سمت یک نظام دوقطبی با دو قطب آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی رفت. از طرفی ایران، به‌ویژه بعد از کودتای مصدق، شاهد مداخله آمریکا به‌عنوان یک قدرت جدید بود و نقش سنتی انگلستان به محاق رفت و آمریکا جای آن را گرفت. اتحاد جماهیر شوروی نیز که

جایگزین روسیه شده بود، با ترویج افکار کمونیستی و حزب توده و غیره به دنبال پیش برد اهداف خود در ایران بود.

امام خمینی (ره) در چنین دوره تاریخی زندگی می کرد و بیانات او و عملکرد او هم نشان می دهد که به خوبی این فضا را می شناخت و این شناخت در رویکرد فقهی او کاملاً مشهود است و نگارش کتاب ولایت فقیه و طرح بازگشت به اسلام حقیقی و ناب و عدم اتکا به شرق و غرب، برگرفته از شناخت امام خمینی (ره) و تجربه ای بود که از مطالعه تحولات گذشته ایران و سایر انقلاب ها به دست آورده بود. امام خمینی (ره) در دوره ای زندگی کرد که ایران یکی از سخت ترین ادوار تاریخ خویش را تجربه می کرد. با انحراف نهضت مشروطیت در نتیجه دسیسه ها و مخالفت های عمال انگلیس در دربار قاجار و همچنین اختلافات داخلی و خیانت جمعی از روشنفکران غرب زده، بار دیگر حکومت استبدادی برقرار گردیده بود. باروی کار آمدن رضاخان، او سیاست داخلی خود را بر مبنای حکومت خشن نظامی و پلیسی، مبارزه همه جانبه با مذهب و روحانیت و غرب زدگی پایه ریزی کرد. در چنین شرایطی، روحانیت ایران که پس از وقایع نهضت مشروطیت در تنگنای هجوم بی وقفه دولت های وقت و عمال انگلیسی از یک سو و دشمنی های غرب زدگان روشنفکر مآب از سوی دیگر قرار داشت، برای دفاع از اسلام و حفظ موجودیت خویش به تکاپو افتاد (خمینی، مجموعه آثار، زندگینامه: ۲۱-۲۴).

هدف امام خمینی (ره) برجسته کردن رویه اجتماعی دین بود. رویه ای که بیشتر خود را در فقه سیاسی و فقه روابط بین الملل نشان داد. از اواخر دهه چهل شمسی به بعد، امام خمینی (ره) با ناامیدی از اصلاح وضع آن زمان، بحث ولایت فقیه و حکومت اسلامی را در نجف مطرح کرد. ایشان با طرح این نظریه به طور بنیادین، نظریه سلطنت را به مبارزه طلبید و با ارائه ویژگی های آشنایی با قانون، فقه و عدالت برای حاکمیت، قدرت مسلط را به چالش کشاند. نظریه ولایت فقیه، نظریه ای است که سابقه ای دیرپا در اندیشه سیاسی شیعی دارد، ولی امام خمینی (ره) آن را مورد بازخوانی قرارداد و زمینه های نظام سازی، نظریه پردازی و ارائه الگو در حوزه قدرت و سیاست را فراهم کرد (سید باقری ۱۳۸۸: ۱۱۸ و ۱۳۰).

از ویژگی های منحصر به فرد امام خمینی (ره) آن است که در دوره معاصر زندگی کرده و نظام فعلی روابط بین الملل را نه تنها تجربه کرد بلکه خود در مرکز تحولات آن قرار داشت.

اکنون به برخی از سخنان و آراء ایشان که نشان‌دهنده عمق شناخت وی نسبت به نظام بین‌الملل و روابط بین‌المللی زمان خود بود اشاره می‌شود. امام خمینی(ره) در وصیت‌نامه خود اشاره می‌کند بسیاری از آنان که این مسائل (شایعات مختلف علیه نظام) را می‌شنوند و باور می‌کنند، اطلاع از وضع دنیا و انقلاب‌های جهان و حوادث بعد از انقلاب و گرفتاری‌های عظیم اجتناب‌ناپذیر آن ندارند. (خمینی، مجموعه آثار، وصیت‌نامه: ۲۶). این موضوع حاکی از آن است که ایشان به خوبی انقلاب‌های گذشته در جهان مانند انقلاب روسیه و فرانسه و حوادث بعد از انقلاب‌ها را مطالعه و بررسی نموده بود.

امام خمینی(ره) به واژه روابط بین‌الملل در کتاب ولایت‌فقیه اشاره دارد و این نکته مهمی است و می‌توان گفت امام خمینی(ره) اولین فقیهی است که واژه روابط بین‌الملل را در فقه سیاسی خود بکار برده است. ایشان در نامه به گورباچف، شکست کمونیسم را پیش‌بینی نمود (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه امام، ج ۲۱: ۲۲۰). طرح شعار نه شرقی و نه غربی و اشارات وی به اوضاع بین‌المللی در سخنرانی‌های مختلف، اوج شناخت امام خمینی(ره) را از نظام بین‌المللی نشان می‌دهد. او علاوه بر اینکه خود به خوبی از اوضاع بین‌المللی اطلاع داشت، بر اهمیت شناخت روابط بین‌الملل نیز تأکید داشته و می‌گفت ما در طول تاریخ تشیع، به خاطر عدم آگاهی علما از حقایق جریانات دنیا، خیلی ضربه خوردیم؛ بخصوص در دویست سال اخیر که دنیا شکل جدیدی پیدا کرد و استعمار پدید آمد و سیاست‌ها عوض شد و دولت‌های اروپایی وارد میدان سیاست جهانی شدند و به کشورهای اسلامی تعرض کردند(خمینی، مجموعه آثار، ولایت‌فقیه: ۱۶۸).

امام خمینی(ره) از همان ابتدای شروع نهضت خود، به مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی زمان خویش توجه داشت. در یکی از بیانات خود در زمینه اوضاع مبهم سیاسی جهان و منطقه در سال ۱۳۴۳ اشاره می‌کند اوضاع جهان به‌طور کلی مبهم است و وضع ایران هم معلوم نیست؛ چون پاکستان از پیمان سنتو خارج شده و پاکستان و ترکیه، شناسایی خود را از اسرائیل پس گرفته‌اند و حجاز به هواپیماهای اسرائیلی که حامل حجاج ایرانی بوده‌اند، اجازه فرود آمدن نداده؛ و خروشچف می‌خواهد از پستش کناره‌گیری کند، و اختلاف بین سران حزب کمونیست به وجود آمده است. اختلاف بین چین و شوروی شدید شده و آمریکا گرفتار انتخابات و وضع

داخلی خودش شده و اتحادیه اعراب در شرف تکوین و اتمام است؛ و به‌طور کلی اوضاع مبهم است(خمینی، مجموعه آثار، صحیفه، ج ۱: ۲۸۴). این سخنان عمق شناخت امام خمینی(ره) به‌عنوان یک فقیه را از روابط بین‌الملل و مسائل و تحولات منطقه‌ای را نشان می‌دهد.

رهبری بی‌بدیل حرکت انقلاب اسلامی و به‌ثمر رساندن آن و توان مدیریت و تثبیت نظام جمهوری اسلامی و اداره جنگ ۸ سال و عدم هراس از تهدیدهای آمریکا و نامه وی به گورباچف و پیش‌بینی شکست کمونیسم، اوج شناخت امام را که بخشی از آن نیز برگرفته از نگاه شهودی او به مسائل بود، نشان می‌دهد. شرایط بین‌المللی دوران امام خمینی (ره) و توجه داشتن به این شرایط و این واقعیت که امام نیز به‌خوبی و از نزدیک به این تحولات و مسائل آشنایی و اشراف داشت، فهم رویکرد فقه سیاسی امام خمینی (ره) را آسان‌تر می‌کند.

ب- بررسی جنبه‌های روان شناختی امام خمینی

پدر امام خمینی(ره) درحالی‌که امام بیش از پنج ماه نداشت، توسط طاغوتیان و خوانین تحت حمایت عمال حکومت وقت، در مسیر خمین به اراک به شهادت رسید. امام خمینی(ره) در اوان کودکی شهادت پدر بزرگوار خویش را در مسیر دفاع از حقوق حقه خود و مردم دیارش در مواجهه با خوانین و عمال حکومت وقت شاهد بود. قطعاً این واقعیت تأثیرات زیادی از نظر روحی و روانی در شکل‌گیری شخصیت امام خمینی(ره) و اتخاذ رویکرد انقلابی، مقاومتی و شجاعانه و قاطعانه تأثیر داشته است. اساساً خاندان حضرت امام خمینی(ره) با هجرت و جهاد الفتی دیرینه داشته است. بدین ترتیب امام خمینی(ره) از اوان کودکی با رنج یتیمی آشنا و با مفهوم شهادت مواجه شد.

وی دوران کودکی و نوجوانی را تحت سرپرستی مادر (بانو هاجر). که خود از خاندان علم و تقوا و از نوادگان مرحوم آیت‌الله خوانساری (صاحب زبده التصانیف). بوده است و همچنین نزد عمه‌اش (صاحبه خانم). که بانویی شجاع و حق‌جو بود، سپری کرد اما در سن پانزده‌سالگی از نعمت وجود آن دو نیز محروم گردید. بنابراین، از دست دادن مادر، در سنین کودکی نیز موجب شد که امام خمینی(ره) ایستادن روی پای خود را تجربه و روحیه مقاومت در برابر مشکلات و سختی‌ها تجربه نماید. این ویژگی‌ها قطعاً در ایجاد و تقویت روحیه شجاعت، مقاومت و بی‌باکی در امام خمینی(ره) و در سیره سیاسی و انقلابی و فقهی او تأثیرگذار بود.

تجربه کردن دروان جنگ جهانی اول و حضور نیروهای استعمارگر در ایران، نیز قطعاً در ایجاد روحیه مبارزه در او مؤثر بود. امام خمینی(ره) در دوران کودکی، تاخت‌وتازهای خوانین و اشرار و آسیب‌های وارده از سوی آن‌ها را نیز تجربه کرده بود و این موضوع نیز در تقویت روحیه مبارزه در او مؤثر بود خصوصاً که خود نیز در عملیات سنگربندی و مبارزه نقش داشت و پدرش را نیز در همین راستا از دست داده بود (خمینی، مجموعه آثار، زندگینامه) قطعاً خاطرات مربوط به سقوط سلسله قاجار و روی کار آمدن رضاخان، در سال‌های شهریور ۲۰ و اشغال ایران توسط قوای متفقین و حوادث جنگ جهانی دوم نیز در روحیه امام خمینی(ره) تأثیر گذاشته است. این تحولات و حوادث کودتای مصدق در تکمیل شناخت امام خمینی(ره) نسبت به جامعه و اوضاع بین‌المللی و منطقه‌ای مهم و تأثیرگذار بوده و در متون فقهی او و رویکرد سیاسی او نیز تأثیرات عمیق خود را بر جای گذاشته است.

عملکرد امام خمینی(ره) نشان می‌دهد که برای او بیشتر حوزه علمیه و اسلام مهم بود و ذره‌ای به دنبال منافع شخصی و مطرح کردن خود نبود. زهد و وارستگی، تعبد و تقوای او زبانزد خاص و عام بود. او از طریق سال‌ها مجاهده با نفس و ریاضت‌های شرعی و تجربه مبانی و مفاهیم عرفانی در متن زندگی شخصی و اجتماعی و همچنین مشی سیاسی خود سخت معتقد به حفظ کیان حوزه‌ها و اقتدار روحانیت و زعامت دینی به‌عنوان تنها پناهگاه مردم در آن روزهای خطیر و پر آشوب بود و لذا همواره تلاش می‌کرد علم و فضل و تلاش خویش را در خدمت به تحکیم حوزه تازه تأسیس علمیه قم به کار گرفته و باوجود برخی اختلاف‌نظرها با فقها دیگر به‌عنوان مدافعی دلسوز در کنار آیات عظام حائری و بروجردی باقی ماند. پس از رحلت آیت‌الله بروجردی نیز امام خمینی(ره) علی‌رغم رویکرد گسترده طلاب و فضلا و جامعه اسلامی به ایشان به‌عنوان یکی از مراجع تقلید، از هرگونه اقدامی که شائبه موقعیت طلبی و مقام‌خواهی داشته باشد بشدت پرهیز داشت و دوستان خویش را همواره به بی‌اعتنایی به این‌گونه مسائل فرامی‌خواند. در زمانی که آگاهان جامعه اسلامی گرد وجود او را به‌عنوان منادی اسلام راستین گرفتند و آرزوهای خویش را در تقوا و علم و آگاهی‌های وی یافتند، کمترین تغییری در مشی و منش امام خمینی(ره) پدید نیامد و خود را خادم و سرباز مردم می‌نامید.

این روحیه و ویژگی امام خمینی (ره) که همه چیز را برای خدا می خواست و محو در خداوند بود، کاملاً خود را در رویکرد فقه سیاسی وی نشان می دهد.

البته این روحیه مبارزه و جهاد در راه خدا ریشه در بینش اعتقادی و تربیت و محیط خانوادگی و شرایط سیاسی و اجتماعی طول دوران زندگی امام خمینی (ره) داشت. مبارزات ایشان از نوجوانی آغاز و سیر تکاملی آن به موازات تکامل ابعاد روحی و علمی ایشان از یک سو و اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی ایران و جوامع اسلامی از سوی دیگر در اشکال مختلف ادامه یافت.

ج- ویژگی های زبان شناختی آثار امام خمینی (ره)

امام در حوزه علمیه نجف قریب سیزده سال در مسجد شیخ اعظم انصاری (ره) معارف اهل بیت و فقه را در عالی ترین سطوح تدریس نمود و به طور ویژه برای نخستین بار مبانی نظری ولایت فقیه را در چندین جلسه تدریس نمود که این متن فقهی یکی از منابع باارزش برای آشنایی با فقه سیاسی امام خمینی (ره) و کشف نظریات وی در حوزه روابط بین الملل است. امام خمینی (ره) ده ها کتاب و اثر گران بها در مباحث اخلاقی، عرفانی، فقهی، اصولی، فلسفی، سیاسی و اجتماعی نیز بر جای گذاشته که با توجه به تنوع آن، در کشف نیات مؤلف و استخراج نگاه فقهی وی به روابط بین الملل مفید و کمک کننده است. از ویژگی های زبان شناختی امام خمینی (ره) رعایت قواعد نگارش قدیم و نظم در نوشتن و خلاصه نویسی و پرهیز از تطویل بود. ایشان نثر شیوایی داشته و به کارگیری صنایع ادبی و ابداعات ترکیبی دل نشین در پیام های سیاسی و دینی، از ویژگی های امام خمینی (ره) بود. بعضی از تألیفات امام خمینی (ره) با دید و قلمی کاملاً تخصصی نوشته شده و فهم مطالب آن ها بدون استفاده از شرح و تفسیر اساتید اهل فن مقدور نیست و برخی نیز به زبان ساده تر نوشته شده اند. در مجموع نثر امام خمینی، با توجه به شیوایی، صراحت و موجز بودن آن و معاصر بودن آن، امکان فهم نیت مؤلف را برای محقق بسیار آسان می نماید.

از ویژگی های مکتب فقهی امام خمینی (ره) این بود که برای فقه و اصول اصلتی ویژه قائل بود و از آمیزش برداشت های کلامی و فلسفی و عرفانی با احکام فقهی در مرحله استنباط احکام پرهیز داشت. امام خمینی (ره) پویایی فقه و اصول را لازمه نگرش اجتهادی می دانست و معتقد

بود که عنصر زمان و مکان نقشی بس تعیین‌کننده در اجتهاد دارند و نادیده گرفتن آن به ناتوانی در درک و پاسخگویی به مسائل مستحدثه و نیازهای روز منتهی خواهد شد. او درعین حال معتقد بود که پویایی فقه هرگز به معنای بی‌ثبات کردن روش استنباط و اجتهاد مصطلح نیست (خمینی، مجموعه آثار، زندگینامه: ۱۸۰-۱۸۳). توجه به این ابعاد زبان‌شناختی در فهم رویکرد فقهی امام خمینی (ره) و درک بهتر سبک بیان مطالب فقهی و فقه سیاسی از سوی امام خمینی (ره) مؤثر و مفید است.

بررسی روابط بین‌الملل از منظر فقهی امام خمینی

در این بخش به بررسی روابط بین‌الملل از منظر فقهی امام خمینی (ره) مورد بررسی قرار می‌گیرد که در ابتدا به مبانی اصلی فقهی ایشان اشاره می‌گردد.
مبانی اصلی فقهی مورد نظر امام خمینی (ره)

الف- انسان‌شناسی

امام خمینی (ره) قائل به وجود دو جنبه الهی و شیطانی در وجود انسان است و اینکه هر دو استعداد ظرفیت به فعل رسیدن را دارا است و بسته به آن دارد که انسان در چه مسیری حرکت نماید. ایشان ضمن اشاره به مخلوق بودن انسان توسط خداوند و لزوم عبودیت خداوند، در پاسخ به سؤال خبرنگار روزنامه تایمز لندن فرمود خالق و آفریننده جهان و انسان، تنها ذات مقدس خدای تعالی است. انسان تنها باید در برابر ذات اقدس حق تسلیم باشد (خمینی، مجموعه آثار، زندگینامه ۱۷۶-۱۷۷). امام خمینی (ره) می‌فرمود انبیای خدا برای این مبعوث شدند که انسان بسازند و بشر را از زشتی‌ها، پلیدی‌ها، فسادها و رذایل اخلاقی دور سازند و با فضایل و آداب حسنه آشنا کنند و ریشه چپاول ملت‌ها و کشت و کشتار آنان را نیز به حب دنیا برمی‌گرداند (خمینی، مجموعه آثار، جهاد اکبر یا مبارزه با نفس: ۲۴-۳۰). این سخنان امام خمینی (ره) نشان می‌دهد که او معتقد است که انسان در پرتو تعالیم انبیاء می‌تواند به سعادت برسد و از پلیدی‌ها نجات پیدا کند و بدون آن به سمت جنایت و کشتار و فساد پیش خواهد رفت.

ب- هستی‌شناسی

برای بررسی روابط بین الملل از منظر فقهی امام خمینی (ره) به هستی‌شناسی فقه ایشان نیز توجه می‌شود:

۱- مبانی فقهی

مبانی فقهی امام خمینی (ره) عبارت است از:

۱-۱ مبانی اصلی فقهی

خدامحوری

امام خمینی (ره) در کتاب ولایت‌فقیه تأکید دارد در حکومت اسلام، حاکمیت منحصر به خداست و قانون فرمان و حکم خداست. قانون اسلام، یا فرمان خدا، بر همه افراد و بر دولت اسلامی حکومت تام دارد. همه افراد، از رسول اکرم (ص). گرفته تا خلفای آن حضرت و سایر افراد تا ابد تابع قانون هستند، همان قانونی که از طرف خدای تبارک و تعالی نازل شده و در لسان قرآن و نبی اکرم (ص). بیان شده است (خمینی، مجموعه آثار، ولایت‌فقیه: ۴۵). امام خمینی (ره) قدرت حقیقی را نیز قدرت خداوند و قدرت برخاسته از قدرت الهی می‌دانست (خمینی، مجموعه آثار، تفسیر سوره حمد ۱۹۹). خدامحوری به عنوان یک مبانی فقهی در آثار فقهی امام خمینی (ره) مطرح است. اعلامیه‌ها و بیانات امام خمینی در صحیفه نور نیز مؤید این استنباط است. امام خمینی (ره) می‌فرمود مسئله نظام توحیدی معنایش این است که همه در نظام توحیدی دنبال حکم خدا باشند. همه توجه به خدا داشته باشند. هر کس هر کاری می‌کند برای خدا بکند. این نظام توحیدی است (خمینی، صحیفه امام، ج ۱۲، ص: ۴۵-۴۶).

اسلام محوری

امام خمینی (ره) در کتاب ولایت‌فقیه، دین اسلام را در همه زمینه‌ها دارای حکم و تکلیف می‌داند (خمینی، ولایت‌فقیه، ۱۳۸۸: ۱۲). و اینکه احکام اسلام یک نظام کلی اجتماعی می‌سازد و تمام امورات بشر را از امور خصوصی تا مقررات مربوط به جنگ و صلح و مرادده با سایر ملل، از قوانین جزایی تا حقوق تجارت و صنعت و کشاورزی را پوشش می‌دهد (خمینی، ولایت‌فقیه ۱۳۸۸: ۲۹). ایشان بارها در گفتمان سیاسی خود نیز که برآمده از گفتمان فقهی او است به این موضوع اشاره دارد که هدف ما اسلام است. او بر موضوع دین تأکید داشت و فرمود

من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می‌کنم که اگر جهان خواران بخواهند در مقابل دین بایستند، در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه امام، ج ۲۰: ۳۲۵-۳۲۶). ایشان معتقد بود همه باید حول اسلام جمع بشوند و اگر در همه کشورهای اسلامی این اتفاق مانند ایران رخ دهد، مشکلات حل خواهد شد (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه امام، ج ۱۳: ۸۸-۸۹). امام خمینی (ره) دفاع از اسلام را اصل خدشه‌ناپذیر سیاست جمهوری اسلامی دانسته و (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۲۱: ۳۲۶). بر مفاهیم شرع محوری، فقه محوری و دین‌محوری نیز تأکید داشت (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۲۱: ۴۸۶).

عدالت محوری

امام خمینی (ره) به دنبال تأسیس حکومت عادلانه بود و آن را هدف همه انبیاء عنوان می‌کرد (خمینی، مجموعه آثار، تفسیر سوره حمد: ۱۷۱). امام در گفتمان سیاسی خود نیز همواره بر این موضوع تأکید داشت. ایشان رویه اسلام را اقامه عدل بین مردم و نجات دادن مظلومان از دست ظالمان معرفی می‌کند (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۱۷: ۵۲۸).

امام خمینی (ره) عدل اسلامی را این‌گونه معنا می‌کند که همه حکومت‌هایی که در دنیا هستند، روی موازین اسلامی حکومت بکنند و معتقد است این مسئله زمانی تحقق پیدا خواهد کرد که آن عدل بزرگ اسلامی در روی زمین توسعه پیدا می‌کند. در آن وقت همه حکومت‌ها بر روی کره زمین، حکومت عدل می‌شوند (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۲۰: ۲۰۶). امام خمینی (ره) معنای عدالت اجتماعی در حکومت اسلامی را حمایت از محرومین و مستضعفین می‌داند و عدول از این مسئله را عدول از عدالت اجتماعی می‌داند (مجموعه آثار، صحیفه امام، ج ۲۱: ۹۹-۱۰۰).

اخلاق محوری

امام خمینی (ره) می‌فرمود انبیای خدا برای این مبعوث شدند که آدم تربیت کنند؛ انسان بسازند؛ بشر را از زشتی‌ها، پلیدی‌ها، فسادها و رذایل اخلاقی دور سازند، و با فضایل و آداب حسنه آشنا کنند و ریشه چپاول ملت‌ها و کشت و کشتار آنان را نیز به حب دنیا برمی‌گرداند (خمینی، مجموعه آثار، جهاد اکبر یا مبارزه با نفس: ۲۴-۳۰). ایشان معتقد بود سیاست

موجود در غرب برعکس سیاست در اسلام، سیاستی حیوانی و شیطانی (خمینی، مجموعه آثار، تفسیر سوره حمد: ۲۴۶-۲۴۷). و به‌دوراز اخلاق است. درحالی‌که سیاست اسلام، روحانی و اسلامی است (مجموعه آثار امام خمینی، تفسیر سوره حمد: ۲۴۶-۲۴۷). یکی از زوایای اخلاق محوری از دید امام خمینی، مبارزه با فساد است که تأکید ویژه‌ای روی آن داشت و به جوانان هشدار می‌داد که مراقب باشند استقلال و آزادی و ارزش‌های انسانی را و لو با تحمل زحمت و رنج، فدای تجملات و عشرت‌ها و بی‌بندوباری‌ها و حضور در مراکز فحشا که از طرف غرب و عمال بی‌وطن به شما عرضه می‌شود نکنند. ایشان فساد و فحشاء و بی‌اخلاقی در جامعه اسلامی را مقدمه از دست دادن استقلال یک کشور اسلامی و تسلط بیگانگان معرفی کرد (خمینی، مجموعه آثار، وصیت‌نامه: ۴۰). اخلاق محوری به‌عنوان یک مبنای فقهی در رویکرد فقهی امام خمینی (ره) در نظر گرفته می‌شود.

مظلوم محوری و قیام در برابر ظلم

امام خمینی (ره) اعتقاد به قیام در برابر ظلم داشت و درواقع، قیام و مبارزه را در راستای اجرای امر به معروف و نهی از منکر معرفی می‌کرد و می‌گفت اگر فعلاً قدرت ندارید تا جلوی بدعت‌های حکام را بگیرید و این مفاسد را دفع کنید، اقلماً ساکت ننشینید. انظلام نکنید چراکه انظلام بدتر از ظلم است (خمینی، مجموعه آثار، ولایت‌فقیه: ۱۱۴). ایشان حیثیت ممالک اسلامی را بسته به این می‌دانست که ایستادگی و مقاومت نمایند (مجموعه آثار امام خمینی، جهاد اکبر: ۶۲). قیام در برابر ظلم، به‌عنوان یک مبنای فقهی در فقه سیاسی امام خمینی (ره) قابل استنباط است و او خود در نیز در عمل در سیره سیاسی خود با قیام علیه شاه و دولت‌های استعمارگر ظالم، آن را به منصفه ظهور رسانید.

ولایت محوری

امام خمینی (ره) در کتاب ولایت‌فقیه اشاره دارد که در اسلام، همیشه وجود ولیّ امر، یعنی حاکمی که قیّم و برپا نگه‌دارنده نظم و قانون اسلام باشد، ضرورت دارد (خمینی، مجموعه آثار، ولایت‌فقیه: ۴۰). و همه‌چیز در نظام اسلامی تابع قانون الهی است و تبعیت از رسول اکرم (ص). هم به حکم خدا است. پیروی از متصدیان حکومت یا اولاً اوامر نیز به حکم الهی است، آنجا که می‌فرماید: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (خمینی، مجموعه آثار، ولایت‌فقیه:

۴۰-۵۰). واضح است که ولایت محوری یکی از مبانی فقهی موردنظر امام است و امام خمینی (ره) با استناد به آیات قرآن، آن را به عنوان برپادارنده قانون اسلام معرفی می کند.

۲-۱- مبانی فرعی فقهی

بررسی روابط بین الملل از منظر فقهی امام خمینی (ره) با بررسی مبانی فرعی فقه ایشان نیز حائز اهمیت است. در ادامه به این مبانی می پردازیم:

معنویت محوری

امام در مورد دولت اسلامی تأکید می کند که بعد از اینکه یک دولتی اسلامی شد، همه چیزش با معنویات بسته به هم است و بر معنویت در همه ارکان آن تأکید می کند (مجموعه آثار امام خمینی، تفسیر سوره حمد: ۲۴۹). امام در نامه به گورباچف نیز تأکید می کند با مادیت نمی توان بشریت را از بحران عدم اعتقاد به معنویت، که اساسی ترین درد جامعه بشری در غرب و شرق است، به درآورد (مجموعه آثار، صحیفه ج ۲۱: ۲۲۱). در واقع تأکید امام بر معنویت به دلیل ضرورت جامعه امروز بوده که به دلیل هجوم فرهنگی غرب و شرق از معنویت به کلی دور شده بود. این بحث فقط مخصوص روابط بین الملل نیست و از اخلاق محوری منشق شده و به دلیل ضرورت زمانه از سوی امام خمینی (ره) مورد تأکید قرار گرفته و لذا به عنوان یک مبنای فقهی فرعی در نظر گرفته می شود.

اعتقاد به غیب و شهادت (ماده و معنا). و نفی دید ماتریالیستی

امام در نامه به گورباچف اشاره می کند بار دیگر به دو جهان بینی مادی و الهی بیندیشید. مادیون معیار شناخت در جهان بینی خویش را «حس» دانسته و چیزی را که محسوس نباشد از قلمرو علم بیرون می دانند و هستی را همتای ماده دانسته و چیزی را که ماده ندارد، موجود نمی دانند و قهراً جهان غیب، مانند وجود خداوند تعالی و وحی و نبوت و قیامت را یکسره افسانه می دانند. در حالی که معیار شناخت در جهان بینی الهی اعم از «حس و عقل» است و چیزی که معقول باشد داخل در قلمرو علم است گر چه محسوس نباشد. لذا هستی اعم از غیب و شهادت است و چیزی که ماده ندارد، می تواند موجود باشد (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۲۱: ۲۲۱-۲۲۵).

امام خمینی(ره) یکی از عوامل پیروزی انقلاب اسلامی را همواره تأییدات غیبی الهی معرفی کرد. لذا انقلاب اسلامی ایران را یک تحفه الهی و هدیه غیبی می‌دانست که از جانب خداوند منان بر این ملت مظلوم غارت زده عنوان می‌کرد(خمینی، مجموعه آثار، وصیت‌نامه: ۱۶-۱۷). امام خمینی(ره) همچنین در نامه به گورباچف از وی می‌خواهد که بار دیگر به دو جهان‌بینی مادی و الهی بیندیشد و هستی را اعم از غیب و شهادت معرفی می‌کند. همچنین متذکر می‌گردد که قرآن مجید اساس تفکر مادی را نقد می‌کند و اینکه در حیوان و انسان چیز دیگری است که فوق ماده است و از عالم ماده جدا است و با مردن ماده نمی‌میرد و باقی است (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۲۱: ۲۲۱-۲۲۵). نفی ماتریالیسم به‌عنوان یک مبنای فقهی فرعی در نظر گرفته می‌شود. این بحث در سیاست، اقتصاد و موضوعات دیگر نیز مرتبط است و از خدامحوری و اسلامی محوری منشق می‌شود و به دلیل ضرورت زمانه، مورد تأکید قرار گرفته است.

رد نگاه فرهنگ غربی به زن مبنی بر تساوی حقوق زن و مرد در جمیع جهات

امام خمینی(ره) در فقه سیاسی خود از نظر حقوق انسانی، تفاوتی بین زن و مرد قائل نیست (خمینی، مجموعه آثار، زندگینامه: ۱۹۴). اما تساوی حقوق زن و مرد در جمیع جهات را مستلزم هدم احکامی چند از کتاب الله می‌داند و آن را تأیید نمی‌کند (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۲۱: ۴۹۶). امام خمینی(ره) با رویکرد فقهی-سیاسی خود موفق به بازیابی نقش زنان طبق دیدگاه اسلامی در پهنه فعالیت‌های اجتماعی شد(خمینی، مجموعه آثار، زندگینامه: ۱۹۲-۱۹۳). و تحول پدید آمده در جامعه زنان ایرانی، بیش از هر چیز نتیجه نگرش امام خمینی(ره) به شخصیت و منزلت زن و دفاع او از حقوق زنان بود(خمینی، مجموعه آثار، زندگینامه: ۱۹۴). این موضوع، مختص روابط بین‌الملل نیست و به مجموعه‌ای رشته‌ها و موضوعات مرتبط است و بنا به ضرورت زمانه مورد تأکید قرار گرفته و از اسلام محوری منشق شده است و لذا به‌عنوان مبنای فقهی فرعی در نظر گرفته می‌شود.

رد سرمایه‌داری

امام خمینی(ره) در فقه سیاسی خود قائل است به اینکه اسلام با سرمایه‌داری ظالمانه و بی‌حساب و محروم‌کننده توده‌های تحت ستم و مظلوم موافق نیست بلکه آن را به‌طور جدی در کتاب و سنت محکوم می‌کند و مخالف عدالت اجتماعی می‌داند. امام خمینی (ره) به کج‌فهمانی که اسلام را طرفدار بی‌مرز و حد سرمایه‌داری و مالکیت و رژیم‌های چون رژیم سرمایه‌داری غرب مثل رژیم آمریکا و انگلستان و دیگر چپ‌اولگران غرب به حساب می‌آورند، انتقاد شدید داشت (خمینی، مجموعه آثار، وصیت‌نامه ۸۰-۸۱). پرواضح است که ایشان با رویکرد سرمایه‌داری برآمده از مکاتب غربی مخالف است و برجسته نمودن این موضوع و پرداختن به آن در واکنش به تلاش روشنفکران غربی و غرب‌زده در ایران برای تأیید رویکرد سرمایه‌داری است. رد سرمایه‌داری عنوان یک مبنای فقهی در فقه سیاسی امام در نظر گرفته می‌شود که بنا به‌ضرورت زمانه از اسلام محوری منشق و مورد تأکید قرار گرفته است. رد سرمایه‌داری به سایر رشته‌ها و موضوعات مانند سیاست و اقتصاد نیز مرتبط می‌شود.

رد کمونیسم و سوسیالیسم

امام خمینی(ره) در فقه سیاسی خود مخالفت اسلام را با رژیم‌هایی مانند رژیم‌های کمونیستی، مارکسیسم، لنینیسم و رژیم‌های مشابه آن که با مالکیت فردی مخالف و قائل به اشتراک هستند، اعلام می‌دارد. از نظر ایشان، اسلام قائل به یک رژیم معتدل با شناخت مالکیت و احترام به آن به نحو محدود در پیدا شدن مالکیت و مصرف است که اگر به‌حق به آن عمل شود چرخه‌ای اقتصاد سالم به راه می‌افتد و عدالت اجتماعی که لازمه یک رژیم سالم است، تحقق می‌یابد. ایشان مخالفت صریح خود را با تلاش‌های برخی برای موافق نشان دادن اسلام با مکتب‌های انحرافی مارکس امثال او اعلام می‌کند(خمینی، مجموعه آثار، وصیت‌نامه ۸۰-۸۲). امام خمینی، رد کمونیسم و سوسیالیسم را در واکنش به تلاش‌ها و اقداماتی که به‌منظور ترویج کمونیسم و سوسیالیسم و تأیید آن از سوی اسلام انجام شده بود، مطرح کرد و به‌عنوان یک مبنای فقهی فرعی در فقه سیاسی امام در نظر گرفته می‌شود.

نفی ناسیونالیسم

امام می فرمود ملی گرایی برخلاف اسلام است (مجموعه آثار، صحیفه ج ۱۲: ۳۳۴). و اصرار داشت بر اینکه تنها اسلام مهم است. امام اینکه کسی بگوید من دمکرات هستم، ملی هستم، ملی و اسلامی هستم را تائید نمی کرد و می گفت ما از اینها ضربه دیده ایم. ما اسلام را می خواهیم. غیر اسلام را نمی خواهیم (مجموعه آثار، صحیفه امام، ج ۱۳: ۵۱-۵۲). امام در عین حال گرایشها ملی گرایانه به تعبیر خود به معنای صحیحش (وطن خواهی). را تائید کرد (خمینی، مجموعه آثار، وصیت نامه ۵۹-۶۰). و در فقه فتوایی خود نیز در پاسخ به استفتایی، کمک کردن به جبهه های ایران را بر جبهه های دیگر کشورهای اسلامی مقدم می داند (خمینی، مجموعه آثار، استفتائات ج ۳: ۴۲). ایشان در واقع تفسیری از معنای گرایشها ملی گرایانه صحیح ارائه می دهد. ایشان در پیامی در سال ۱۳۲۳ نیز از عبارت شرافتمندان وطنخواه یا وطنخواهان با ناموس استفاده می کند که مؤید تائید گرایشها ملی گرایانه صحیح یا به عبارتی همان واژه وطن خواهی از سوی امام خمینی (ره) است (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۱: ۲۲).. نفی ناسیونالیسم از مبنای اصلی اسلام گرایی منشق شده و بنا به ضرورت زمانه مورد تأکید قرار گرفته است و به عنوان یک مبنای فقهی فرعی در نظر گرفته می شود.

رد آزادی مورد نظر لیبرالیسم غربی

امام خمینی (ره) آزادی به شکل غربی آن که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می شود را از نظر اسلام و عقل محکوم و تبلیغات و مقالات و سخنرانیها و کتب و مجلات برخلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور را حرام می داند و می گوید بر همه مسلمانان جلوگیری از آزادیهای مخرب واجب است و اگر از آنچه در نظر شرع حرام و برخلاف مسیر ملت و کشور اسلامی و مخالف باحیثیت جمهوری اسلامی است به طور قاطع جلوگیری نشود، همه مسئول می باشند (خمینی، مجموعه آثار، وصیت نامه ۶۸-۶۹). برجسته نمودن مخالفت اسلام با آزادی مورد نظر لیبرالیسم غربی نیز در واکنش به هجوم فرهنگ غربی مطرح و برجسته گردیده و از مبنای اسلام محوری منشق شده است. البته ایشان، اسلام را مخالف آزادی نمی داند و معتقد است احکام اسلام، انسان را آزاد و مسلط بر خودش و بر مالش و بر جانش و بر نوامیسش خلق

کرده است ولی با آزادی به معنای مورد نظر رویکرد غربی مخالف است (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه امام، ج ۱: ۲۸۶-۲۸۷).

عینیت دیانت و سیاست و اسلام سیاسی

امام خمینی (ره) در فقه سیاسی خود تأکید می‌کند که اسلام آمده تا به جامعه نظم بدهد و حکومت برای تنظیم امور جامعه است. (خمینی، مجموعه آثار، ولایت فقیه: ۶۹). و تأکید می‌کرد که فقها نیز مکلفاند اسلام را حفظ کنند (خمینی، مجموعه آثار، ولایت فقیه: ۶۷-۶۸). ایشان تأکید می‌کرد که اسلام تماش سیاست است. اسلام را بد معرفی کرده‌اند و اینکه سیاست مُدُن از اسلام سرچشمه می‌گیرد (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۱: ۲۷۰). امام می‌فرمود مسائل سیاسی اسلام چندین برابر مسائل عبادی‌اش است. کتب اسلام، کتب فقهی اسلام مشحون از مسائل سیاسی و اجتماعی است (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۱۸: ۵۳). ایشان همچنین در منشور روحانیت فرمود حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت و نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است. (خمینی، مجموعه آثار صحیفه ج ۲۱: ۲۸۳ و ۲۸۹). امام خمینی (ره) همه توطئه‌های جهان خواران از جنگ تحمیلی گرفته تا حصر اقتصادی و غیره را برای این می‌داند که مسلمانان نگویند اسلام جوابگوی جامعه است (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه امام، ج ۲۱: ۲۸۹-۲۹۰). و طرح جدایی دین از سیاست را خدعه استکبار و مهم‌ترین حرکت او پس از مایوس شدن از نابودی مطلق روحانیت و حوزه‌ها می‌دانست (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۲۱: ۲۷۸). امام در مقابل اسلام سیاسی، تعبیری چون اسلام اشرافیت، اسلام ابوسفیان، اسلام ملأهای کثیف درباری، اسلام مقدس‌نماهای بی‌شعور حوزه‌های علمی و دانشگاهی، اسلام ذلت و نکبت، اسلام پول و زور، اسلام فریب و سازش و اسارت، اسلام حاکمیت سرمایه و سرمایه‌داران بر مظلومین و پابرنه‌ها و اسلام آمریکایی را مطرح کرد. (خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱: ۸۰-۸۱). این موضوع با توجه به هجمه فرهنگی غربی و رویکرد سکولار توسط امام برجسته گردیده و در رشته‌ها و موضوعات مختلف مانند اقتصاد، سیاست و

علوم اجتماعی قابل طرح است و لذا به عنوان یک مبنای فقهی فرعی که از اسلام محوری منشق شده در نظر گرفته می شود.

نفی نظام استبدادی و تأیید جمهوری اسلامی

امام خمینی (ره) در کتاب ولایت فقیه اشاره دارد که رسول اکرم (ص). در مکاتیب مبارکش که به امپراتور روم شرقی (هراکلیوس). و شاهنشاه ایران نوشت، آن ها را دعوت کرده که از طرز حکومت شاهنشاهی و امپراتوری و از اینکه بندگان خدا را وادار به پرستش و اطاعت مطلقه خود کنند، دست بردارند. ایشان سلطنت و ولایتعهدی را همان طرز حکومت شوم و باطلی می داند که حضرت سید الشهداء (ع). برای جلوگیری از برقراری آن قیام کرد و شهید شد و آن را از اسلام نمی داند (خمینی، مجموعه آثار، ولایت فقیه ۱۳۸۸: ۱۴). امام معتقد است حکومت اسلامی، نه استبدادی و نه مطلقه است؛ بلکه مشروطه به این معناست که حکومت کنندگان در اجرا و اداره مقید به یک مجموعه شرط هستند که در قرآن کریم و سنت رسول اکرم (ص). معین گشته است (خمینی، مجموعه آثار، ولایت فقیه: ۴۳).. سیستم مورد نظر امام، نظام جمهوری اسلامی بود که صریحاً بدان اشاره و گفت ما خواهان استقرار یک جمهوری اسلامی هستیم و آن حکومتی است متکی به آرای عمومی (سید باقری ۱۳۸۸: ۱۴۳ به نقل از صحیفه نور ج ۵: ۱۴۷). امام با پذیرفتن اصل ظرف جمهوری، آن را بستری ساخت برای پیاده ساختن احکام اسلامی و فرمود جمهوری شکل و فرم حکومت را تشکیل می دهد و اسلامی یعنی محتوای آن فرم که قوانین الهی است (سید باقری ۱۳۸۸ به نقل از صحیفه ج ۲: ۱۵۹ و ج ۳: ۱۱۶). نفی استبداد و تأیید نظام جمهوری اسلامی به واسطه ضرورت زمانه صورت گرفته است و از مبنای اسلام محوری منشق شده و در موضوعات مختلف مانند سیاست و حقوق نیز معنا پیدا می کند. بنابراین به عنوان یک مبنای فرعی فقهی در نظر گرفته می شود.

ضرورت تأسیس حکومت

از دید امام خمینی(ره) وجود دولت و حکومت لازم است و عقل هم حکم می کند که تشکیلات لازم است تا بتوان از هجوم دیگران جلوگیری کرد. امام حکومت نداشتن را به معنای از دست رفتن تمام حدود و ثغور مسلمین می دانست. (خمینی، مجموعه آثار، ولایت فقیه: ۵۰).

امام از دولت و حکومت در نظام اسلامی تعبیر به ولایت می‌کند و می‌فرماید منظور از ولایت همان دولت و حکومت است و می‌فرماید ولایت، یعنی حکومت و اداره کشور و اجرای قوانین شرع مقدس و یک وظیفه سنگین و مهم است. به عبارتی ولایت یعنی حکومت و اجرا و اداره و یک وظیفه خطیر است (خمینی، مجموعه آثار، ولایت‌فقیه: ۵۱).. بحث ضرورت تأسیس حکومت از ولایت محوری منشق شده و بنا به ضرورت زمانه، از سوی ایشان مورد تأکید قرار گرفته و در موضوعات دیگر مانند سیاست و حقوق نیز معنا پیدا می‌کند. لذا به‌عنوان یک مبنای فقهی فرعی در نظر گرفته می‌شود.

امربه‌معروف و نهی از منکر

امام خمینی (ره) رویکرد فقهی به امربه‌معروف و نهی از منکر را در یک سطح بسیار وسیع‌تر وارد عرصه اجتماعی و بین‌المللی کرد. ایشان اعتقاد به قیام در برابر ظلم دارد و در واقع، قیام و مبارزه را در راستای اجرای امربه‌معروف و نهی از منکر معرفی می‌کند (خمینی، مجموعه آثار، ولایت‌فقیه: ۱۱۴). امام خمینی (ره) مفهوم منکر را توسعه داده و حرام‌خواری و غارتگری نفت ایران را توسط حاکمیت ایران و چند دولت بیگانه را نیز شامل می‌شود را وحشتناک و خطرناک‌ترین منکرات اعلام می‌کند (خمینی، مجموعه آثار، ولایت‌فقیه ۱۱۴-۱۱۵). امام خمینی (ره) در همین راستا، دعوت به اسلام، بازگرداندن حقوق ستمدیدگان، مخالفت و مبارزه با ستمگران، کوشش برای توزیع عادلانه ثروت‌های عمومی و درآمد جنگی طبق قانون عادلانه اسلام و صدقات را از موارد امربه‌معروف محسوب می‌کند (خمینی، مجموعه آثار، ولایت‌فقیه: ۱۰۹). در تحریر الوسیله نیز بخشی از کتاب را به امربه‌معروف و نهی از منکر اختصاص داده و وجوب آن‌ها را از ضروریات دین می‌داند و منکر آن را با علم به التزام آن، کافر می‌داند (مجموعه آثار امام خمینی، تحریر الوسیله: ۳۶۱).

امام خمینی (ره) اموری مانند حفظ ناموس عده‌ای از مسلمین را به‌عنوان معروف و هتک ناموس مسلمین یا محو آثار اسلام را به‌عنوان منکر معرفی می‌کند و می‌فرماید در این‌گونه موارد، احتمال هرج، هرچند که جانی باشد موجب رفع تکلیف نمی‌گردد و اگر اقامه براهین اسلام که بتواند مسلمانان را از گمراهی نجات دهد، موقوف بر فدای جان یا جان‌ها باشد، این

فداکاری واجب است تا چه رسد به تحمل ضرر و یا حرج و اگر سکوت علماء دین موجب تقویت ظالم و ظلم گردد و یا باعث جرئت پیدا کردن ظلمه و ستمکاران شود، سکوت حرام است (شکوری ۱۳۶۱: ۱۹۱-۱۹۲ به نقل از تحریر الوسیله ج ۱: ۴۷۲ مسائل ۶-۱۰).

ایشان در یک تعریف کلی تر، منظور از امر به معروف و نهی از منکر را حصول سعادت عباد و اجرای احکام الله در بلاد می داند (مجموعه آثار امام خمینی: آداب الصلاه ۲۳۷-۲۳۸). که بدین ترتیب مجموعه وسیعی از احکام شرعی و حکومتی را در برمی گیرد. ایشان حتی در صورت وقوع منکر از سوی دولت ها، اظهار حق و انکار باطل را بر علماء واجب می داند (مجموعه آثار امام خمینی، توضیح المسائل: ۴۵۰). امام خمینی (ره) در راستای نگاه بین المللی خود، علماء را دعوت به واکنش در برابر منکر دولت ها می کند و در جای دیگر نیز ارشاد دولت ها و عدم سکوت در برابر ستمکاری را وظیفه تمام ممالک اسلامی و ملل اسلام معرفی می کند (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۱: ۳۳۷). ایشان در کتاب ولایت فقیه، دعوت را جهاد اعتقادی خارجی اسلام معرفی می کند و با اتصال آن به اصل امر به معروف و نهی از منکر، آن را بخشی از امر به معروف و نهی از منکر معرفی می کند (خمینی، مجموعه آثار، ولایت فقیه: ۱۰۹).. امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک مبنای فقهی فرعی در نظر گرفته می شود زیرا از مبانی مانند مقابله با ظلم محوری و اخلاق محوری منشق می شود و بنا به ضرورت زمانه مورد تأکید قرار گرفته و از طرفی به موضوعات دیگر مانند سیاست و حقوق نیز مرتبط است.

ولایت فقیه

امام خمینی (ره) معتقد بود فقیه حسنی برای اسلام است مانند وضعیتی که دیوار و حصن یک شهر برای آن شهر دارد و برای این معنایی نیست جز آنکه فقیه باید والی باشد و نظیر آنچه برای رسول الله و ائمه از ولایت در جمیع امور سلطانیه وجود داشت برای فقیه نیز وجود داشته باشد (خمینی، مجموعه آثار، البیع ج ۲: ۶۳۳ و الاجتهاد و التقليد: ۵۴). امام خمینی (ره) حتی در صورتی که فقها قادر به تشکیل حکومت نباشند، معتقد است بر مسلمین عادل واجب است که برای برقراری حکومت قیام کنند و لازم است که از فقیه اذن بگیرند (خمینی، مجموعه آثار، البیع ج ۲: ۶۶۶). پس از مرحوم نراقی، امام خمینی (ره) (س). تنها فقیه‌ای است که علاوه بر

بحث در این مورد مثل سایر فقیهان به تناسب مسائل مختلف، ولایت فقیه را در تصدی امر حکومت با همان معنای جامع و شامل، برای اولین بار به روشنی و تفصیل مورد بررسی و اثبات قرار داده است و خود نیز موفق به عملی کردن این نظریه فقهی شد (خمینی، ولایت فقیه، حکومت اسلامی، ۱۳۸۸، مقدمه ناشر: ۳). ایشان معتقد بود ولایت فقیه از موضوعاتی است که تصور آن موجب تصدیق می شود و چندان به برهان احتیاج ندارد. به این معنی که هر کس عقاید و احکام اسلام را حتی اجمالاً دریافته باشد چون به ولایت فقیه برسد و آن را به تصور آورد، بی درنگ تصدیق خواهد کرد و آن را ضروری و بدیهی خواهد شناخت (خمینی، ولایت فقیه، حکومت اسلامی، ۱۳۸۸: ۹). امام معتقد بود همان ولایتی که برای رسول اکرم (ص). و امام (س). در تشکیل حکومت و اجرا و تصدی وجود دارد، برای فقیه هم وجود دارد. (خمینی، مجموعه آثار، ولایت فقیه: ۵۲). از نظر ایشان فقها اجتماعاً یا انفراداً برای اجرای حدود و حفظ ثغور و نظام، حکومت شرعی تشکیل دهند. این امر اگر برای کسی امکان داشته باشد، واجب عینی است؛ وگرنه واجب کفایی است. در صورتی هم که ممکن نباشد، ولایت ساقط نمی شود زیرا از جانب خدا منصوب اند. اگر توانستند، باید مالیات، زکات، خمس و خراج را بگیرند و در مصالح مسلمین صرف کنند؛ و اجرای حدود کنند (خمینی، مجموعه آثار، ولایت فقیه: ۵۳). ولایت فقیه به عنوان یک مبنای فرعی از ولایت محوری منشق می شود.

۲- اصول فقهی مورد نظر امام خمینی (ره) برای روابط بین الملل

از منظر فقهی امام خمینی (ره) روابط بی الملل مبتنی بر اصولی است که شامل اصول عام و خاص فقهی می شود و در ادامه به بررسی آن ها می پردازیم.

۲-۱- اصول عام فقهی

اصول عام فقهی امام خمینی (ره) شامل موارد ذیل است:

حرام بودن اکل سحت

امام خمینی (ره) قاعده فقهی حرام بودن اکل سحت را در یک سطح بسیار وسیع تر مطرح نمود. او ضمن انتقاد از کسانی که اکل سحت و حرام خواری را تنها محدود به بقال سر کوچه می دانند، اشاره کرد که باید دایره بزرگ تر حرام خواری و غارتگری که غارت نفت ایران و تبدیل

کردن ایران به بازار فروش کالاهای گران و غیرضروری بیگانه به نام نمایندگی کمپانی‌های خارجی و به جیب زدن پول مردم به جیب سرمایه‌داران بیگانه را نیز مصداق اکل سحت دانست. در جای دیگر اشاره می‌کند که نفت ما را چند دولت بیگانه پس از استخراج برای خود می‌برند و مقدار ناچیزی هم که به هیئت حاکمه همدست خودشان می‌دهند از طرق دیگر به جیب خودشان برمی‌گردد و اندکی که به صندوق دولت می‌ریزد، نیز معلوم نیست کجا مصرف می‌شود (خمینی، مجموعه آثار، ولایت فقیه ۱۱۴-۱۱۵). امام خمینی (ره) با توسعه دادن مفهوم این قاعده فقهی، آن را در سطح حکومت و حتی در سطح بین‌المللی بکار برد.

وفای به عهد

امام خمینی (ره) در کتاب الرسائل العشره در توضیح روایت المومنون عند شروطهم یا المسلمون عند شروطهم توضیح می‌دهد این روایت کنایه از لزوم وفا و التزام به شرط است و وظیفه ایمانی و اسلامی مسلمان و مؤمن را التزام به شرط می‌داند (خمینی، مجموعه آثار، الرسائل العشره: ۲۱۷). ایشان در عمل نیز این مسئله را به نمایش گذاشت و زمانی که علی‌رغم میل باطنی خود و به جهت مصلحت نظام اسلامی، قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت، ابراز داشت ما این موضوع را در قالب شورای امنیت تا آخر پیش خواهیم برد.

منع خدعه و امانت‌داری در بحث حکومت

امام خمینی (ره) مفهوم امانت‌داری را از قالب فردی به قالب اجتماعی و بین‌المللی توسعه داد و امانت‌داری را به‌عنوان یک اصل در تشکیل حکومت و نحوه رفتار آن با مردم اعلام کرد تا مردم بتوانند به آن اطمینان داشته و سرنوشت خود را به او بسپارند. امام خمینی (ره) این موضوع را نه فقط برای یک ملت و یک کشور بلکه برای ملت‌ها بکار می‌برد و می‌گوید ما حاکم امین می‌خواهیم تا امانت‌داری کند و ملت‌ها در پناه او و پناه قانون آسوده‌خاطر به کارها و زندگی خود ادامه دهند (خمینی، مجموعه آثار، ولایت فقیه: ۱۴۰). امام خمینی (ره) این موضوع را در ارتباط با ملت‌ها و در مفهومی فراملی و به‌عنوان یک اصل فقهی مطرح می‌کند.

حمایت از مستضعف در مقابل مستکبر

از نظر امام خمینی، در اسلام ابتدا باید کار فقرا و بیچاره‌ها را اصلاح نمود (خمینی، مجموعه آثار، ولایت فقیه: ۱۲۱). با توجه به این مطلب و سیره سیاسی و عملی امام خمینی، می‌توان

استنباط کرد که حمایت از مستضعف به‌عنوان یک اصل فقهی در فقه سیاسی و روابط بین‌الملل مورد نظر ایشان باشد. بیانات ایشان نیز مؤید این استنباط است. ایشان فقر ستیزی را یکی از چهره‌های بیرونی انقلاب اسلامی تعریف نمود (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۲۰: ۳۳۳). امام در جای دیگر فرمود محرومیت‌زدایی، عقیده و راه و رسم زندگی ما است، (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه امام ج ۲۰: ۳۴۱-۳۴۲). در واقع نظام بین‌الملل مطلوب مورد نظر ایشان، نظامی است که مبتنی بر حکومت مستضعفین باشد (صحیفه امام، ج ۶: ۴۵۳-۴۵۴). امام خمینی (ره) فقر ستیزی را نه فقط برای ایران بلکه به همه کشورهای اسلامی تسری داده و می‌فرمود برای فقرا و مستمندان کشورهای اسلامی فکری بکنید. (مدنی ۱۳۸۹ ج ۲: ۱۷۰). امام در جای دیگر حمایت از گرسنگان و محرومان را از اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی معرفی کرد (مجموعه آثار، صحیفه ج ۲۱: ۹۱-۹۲).

۲-۲- اصول خاص فقهی

اصول خاص فقهی امام خمینی (ره) شامل موارد ذیل است:

نهی سلطه و سلطه‌پذیری از کافرین بر مسلمین

امام خمینی (ره) در پاسخ به یک استفتاء فرمود اگر روابط سیاسی که بین دولت‌های اسلامی و دول بیگانه بسته می‌شود و برقرار می‌گردد موجب تسلط کفار بر نفوس و بلاد و اموال مسلمانان شود یا باعث اسارت سیاسی این‌ها گردد، برقراری روابط حرام است و پیمان‌هایی که بسته می‌شود باطل است و بر همه مسلمین واجب است که زمامداران را راهنمایی کنند و وادارشان نمایند بر ترک روابط سیاسی این‌چنانی هر چند به وسیله مبارزه منفی باشد. (شکوری ۱۳۶۱ ج ۲: ۴۰۰ به نقل از تحریر الوسیله ج ۱: ۴۸۵ مسئله ۴ و ۵ و ۶). امام در توضیح المسائل نیز اشاره دارد اگر به واسطه توسعه نفوذ سیاسی یا اقتصادی و تجاری اجانب حتی خوف آن باشد که تسلط بر بلاد مسلمین پیدا کنند، بر مسلمانان، دفاع به هر نحو ممکن و قطع‌یادی اجانب واجب است (خمینی، مجموعه آثار، توضیح المسائل ۴۵۶). امام خمینی (ره) به‌صراحت در فقه فتوایی خود، سلطه کافرین بر مسلمین را حرام و رد می‌کند و پذیرش چنین سلطه‌ای را نیز مردود و از مردم و همه مسلمین می‌خواهد که زمامداران را مجبور به ترک آن

کنند. ایشان به دست‌اندرکاران دستگاه سیاست خارجی، ابلاغ کرد که وزارت خارجه جمهوری اسلامی باید به دیگر کشورها بفهماند که اسلام نه ظالم است و نه زیر بار ظلم می‌رود و جمهوری اسلامی نیز نه ظلم می‌کند و نه زیر بار ظلم می‌رود (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۱۹: ۹۴).

امام خمینی (ره) در زمان مخالفت با کاپیتولاسیون سخنرانی خود را با آیه " لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا شَرًّا " شروع کرد و تمام گرفتاری ملت ایران و ملت‌های مسلمان را از جانب و آمریکا دانست. (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۱: ۴۰۹ - ۴۱۱). امام تأکید دارد که نزد اسلام سلطه‌جویی و غلبه به یک قومی و زیر بار قرار دادن و به استعمار کشیدن آن‌ها، مطرح نیست. (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه امام ج ۱۲: ۵۰۶). و ثمره انقلاب ایران را خروج از سلطه شرق و غرب اعلام نموده (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۱۵: ۴۳۵). و تأکید کرد مخالف با این است که مملکت اسلامی تحت سلطه غیر باشد و قرآن (آیه نفی سبیل). امر فرموده است که نباید باشد (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۱۳: ۳۶۱).

منع موالات و تولى امور توسط کفار

امام خمینی (ره) در راستای نشان دادن نفی سلطه کفار، در توضیح حدیثی از امام معصوم، موالات مؤمن نسبت به کافر را نهی می‌کند و می‌فرماید مراد از موالات، محبت و وداد نیست بلکه تولى امور و تصدی اعمال کافر است. (خمینی، مجموعه آثار، المکاسب المحرمه ج ۲: ۱۶۹). امام خمینی (ره) موالات را در معنای محدود آن یعنی تولى امور توسط کافر منع می‌کند. تأکید بر لزوم حفظ استقلال دولت اسلامی

امام در تداوم اصل نفی سلطه و نفی پذیری از کفار، امام خمینی (ره) ضمن تأیید مفهوم ملت- دولت بر لزوم حفظ استقلال دولت اسلامی تأکید دارد. امام خمینی (ره) در وصیت‌نامه خود بر سیاست خارجی حفظ استقلال تأکید کرد و فرمود از هر امری که شائبه وابستگی با همه ابعادی که دارد به‌طور قاطع احتراز نمایید و باید بدانید که وابستگی در بعض امور هرچند ممکن است ظاهر فریبنده‌ای داشته باشد یا منفعت و فایده‌ای در حال داشته باشد، لکن در نتیجه، ریشه کشور را به تباهی خواهد کشید (خمینی، مجموعه آثار، وصیت‌نامه: ۵۵). ایشان در صحیفه به سیاست نه شرقی، نه غربی جمهوری اسلامی اشاره و اینکه ایران باید بر پایه

استقلال واقعی پایه‌ریزی شود. (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۲۱: ۲۰۵). امام خمینی (ره) عدول از سیاست نه شرقی و نه غربی را خیانت به اسلام و مسلمین و باعث زوال عزت و اعتبار و استقلال کشور و ملت قهرمان ایران دانست (مجموعه آثار، صحیفه ج ۲۱: ۱۵۵). او این شعار را، شعار اصولی انقلاب اسلامی دانست و اینکه همه کشورهای اسلامی و مردم مسلمان جهان نباید وابسته به غرب و اروپا و آمریکا و نه وابسته به شرق و شوروی باشند (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۲۰: ۳۱۹).

امام بایان این اصل فقهی، علاوه بر تأکید بر استقلال دولت اسلامی و نفی سلطه کافر، اصل حیاتی خودیاری دولت‌ها را که اصلی واقع‌گرایانه در روابط بین‌الملل، است، مورد تأیید قرار می‌دهد و اینکه دولت اسلامی نیز که مستثنا از این قاعده نیست باید استقلال خود را حفظ نماید و وابسته به قدرت‌های دیگر نباشد. از طرفی این اصل فقهی مفهوم جدید ملت-دولت که از قرن ۱۷ در نظام بین‌المللی مستقر گردید، را نیز مورد تأیید قرار می‌دهد.

لزوم حفظ کیان اسلام

امام خمینی (ره) در همین راستا در فقه سیاسی خود، لزوم حفظ کیان اسلام را یک واجب عینی و از اهم مسائل واجبات دنیا و اهمیت آن را از نماز بیشتر اعلام می‌کند و دلیل آن را این‌گونه اعلام می‌کند که حفظ کیان اسلامی، حفظ اسلام است و نماز فرع اسلام است (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۱۹: ۴۸۶). امام خمینی (ره) در عین حال که یادآوری می‌کند افراد یک وظیفه ملی در برابر حفظ استقلال ایران و دفاع از آن دارند، تأکید می‌کند که افراد یک وظیفه اسلامی هم دارند و آن حفظ اسلام است که امام آن را به‌عنوان یک امانت نزد افراد معرفی می‌کند. (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۱۹: ۴۵۷). بنابراین، بیان امام خمینی (ره) روشن می‌سازد که لزوم حفظ کیان اسلام به‌عنوان یک اصل فقهی در فقه سیاسی وی در ارتباط با روابط بین‌الملل قابل استنباط است.

لزوم آمادگی دفاعی باهدف بازدارندگی

امام خمینی (ره) همچنین بر همین اساس در فقه استدلالی خود می‌فرماید حکم «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ امر به تهیه و تدارک هر چه بیشتر نیروی مسلح و دفاعی کلی است و امر به آماده‌باش و مراقبت همیشگی در دوره صلح و آرامش است. هرگاه

مسلمانان به این حکم عمل کرده و با تشکیل حکومت اسلامی به تدارکات وسیع پرداخته و به حال آماده باش کامل جنگی می بودند، مشتی یهودی جرئت نمی کردند سرزمین های مسلمین را اشغال کرده و مسجدالاقصی را خراب کنند و آتش بزنند و مردم نتوانند به اقدام فوری برخیزند (خمینی، مجموعه آثار، ولایت فقیه: ۳۴). اصل آمادگی دفاعی باهدف بازدارندگی در برابر کفار به عنوان یک اصل فقهی در نظر گرفته می شود.

اعتلای اسلام

امام خمینی (ره) بعلاوه بحث اعتلای اسلام را نیز مطرح می نماید. در بحث شفعه امام خمینی (ره) می فرماید که کافر بر مشتری مسلمان شفعه ندارد، اگرچه فروشنده کافر باشد و اما کافر بر کافر و مسلمان بر کافر شفعه دارد. (خمینی، مجموعه آثار، رساله نجاه العباد ۱۳۸۵: ۲۴۴). ایشان در بحث وقف اشاره دارد که ظاهر، صحت وقف به ذمی و مرتد غیر فطری است به خصوص اگر از ارحام باشد اما در مورد کافر حربی و مرتد فطری محل تأمل است (خمینی، مجموعه آثار، تحریر الوسيله: ۵۶۵). در بحث ارث هم اشاره دارد که کافر از مسلمان ارث نمی برد (خمینی، مجموعه آثار، امام تحریر الوسيله ۷۹۲). امام در بحث ساختمان و ابنیه سازی هم اشاره می کند که اهل کتاب و هر که در حکم آن هاست جایز نیست در بلاد اسلامی، معابد مانند کنیسه و صومعه و مانند آن احداث کنند و اگر احداث کردند، واجب است بر والی مسلمین که آن را از بین ببرد (خمینی، مجموعه آثار، تحریر الوسيله: ۹۰۱).

امام خمینی (ره) علاوه بر این موارد فقهی، در سیره عملی و سیاسی خود چه در قالب بیانیه ها و سخنرانی ها و چه در عمل، حساسیت و واکنش خود را نسبت به هرگونه عملی که به دنبال تضعیف اسلام باشد نشان داد و با اعتقاد به این اصل که اسلام همیشه بالاتر است به دفاع از اسلام حقیقی و اسلام ناب پرداخته و باایمان به اینکه اسلام همیشه بالاتر است سیره انقلابی خود را علیه رژیم شاه و دولت های استعمارگر خارجی پایه ریزی کرد. این موارد همگی برآمده از اصل فقهی اعتلای اسلام است و بر این اساس، می توان اصل اعتلای اسلام را در فقه سیاسی امام خمینی (ره) درزمینه روابط بین الملل نیز استنباط کرد.

لزوم حفظ حرمت مسلم

علاوه بر نفی سلطه و اعتلای اسلام، امام خمینی(ره) یک اصل مکمل سوم را نیز برمی‌شمارد که عبارت از لزوم حفظ حرمت مسلمان است. امام خمینی(ره) در احکام مختلف ارث، وقف، شفعه و غیره بحث رعایت احترام مؤمن را مطرح می‌کند. در خصوص دفن کافر در مقبره مسلمین و بالعکس، ایشان معتقد است اگر بقای کافر در مقبره مسلمین، هتک بر مسلمین باشد و باقی ماندن مسلمان در مقبره کفار، هتک بر مسلمان باشد، نیش قبر و انتقال جنازه واجب است (خمینی، مجموعه آثار، التعلیقه علی العروه: ۲۲۱ و تحریر الوسیله: ۷۴). در بحث دفن زن حامله کافره نیز اشاره دارد که اگر میت کافره حامله به بچه مسلمانی باشد، به نحوی دفن می‌شود که بچه‌ای که در شکم دارد به‌جانب قبله باشد (خمینی، مجموعه آثار، تحریر الوسیله: ۷۳). و این کار به خاطر حفظ حرمت بچه‌ای است که از پدر مسلمان است و حرمت دارد. ایشان در سیره سیاسی و عملی خود نیز با عکس‌العمل در برابر کاپیتولاسیون همین منش را در قبل از انقلاب نشان داد و بر همین اساس موفق شد مردم مسلمان ایران را هوشیار و انقلاب اسلامی را به نتیجه برساند. با توجه به مطالب فقهی فوق و سیره عملی امام و بیانات و سخنرانی‌های فراوان ایشان در این زمینه، لزوم حفظ حرمت انسان مسلمان، به‌عنوان یک اصل فقهی در فقه سیاسی امام خمینی (ره) درزمینه روابط بین‌الملل قابل‌شناسایی است.

عدم جواز روابط با کفار برپرض خوف صدمه به بازار، مصلحت اسلام و مسلمین امام خمینی (ره) در راستای نفی سلطه کفار اشاره دارد که اگر در روابط تجاری با اجانب خوف آن باشد که به بازار مسلمین صدمه اقتصادی وارد شود و موجب اسارت تجاری و اقتصادی شود، قطع این‌گونه روابط را واجب و این نحو تجارت را حرام می‌داند. (خمینی، مجموعه آثار، توضیح المسائل: ۴۵۶-۴۵۷). امام عقد رابطه سیاسی و تجاری بین دول اسلامی و اجانب را نیز اگر مخالف مصلحت اسلام و مسلمانان باشد، جایز ندانسته بلکه قطع آن را واجب می‌داند (خمینی، مجموعه آثار، توضیح المسائل ۴۵۷). ایشان همکاری با کفار در مسائل بشردوستانه مانند انتقال خون را جایز شمرده است. (خمینی، مجموعه آثار، استفتائات ج ۲: ۶).

امام تجارت با کسی که با مسلمین در حال جنگ است را نیز رد می‌کند. به‌عنوان مثال از شاه به این دلیل که درحالی‌که مسلمین در حال جنگ با اسرائیل هستند به او نفت می‌فروشد، انتقاد می‌کند. (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۲: ۳۶۶). در مورد همکاری درزمینه‌های تسلیحاتی با کفار حربی نیز امام خمینی (ره) شروطی را برای این همکاری ذکر می‌کند و بحث بسیار تفصیلی و مفصلی را ارائه می‌کند. (خمینی، مجموعه آثار، استفتائات ج ۱: ۵۱۷). و فروختن سلاح به کسانی که برای حفظ خود و یا دفاع از منطقه خود خرید می‌نمایند را بدون مراعات مقررات دولتی اسلامی جایز نمی‌داند (خمینی، مجموعه آثار، استفتائات ج ۱: ۵۱۷). امام خمینی (ره) البته برقراری روابط حسنه با دولت‌هایی که قصد دخالت در امور جمهوری اسلامی را ندارند، جایز و بلکه بر آن تأکید می‌کند (خمینی، مجموعه آثار، وصیت‌نامه: ۵۵).

اعتقاد به تقسیم‌بندی عقیدتی اسلام و کفر حربی

بررسی آثار فقهی امام خمینی، فرضیه پژوهش را مورد تأیید قرار می‌دهد و اینکه امام خمینی (ره) نیز همچون فقهای گذشته معتقد به تقسیم‌بندی اسلام و کفر حربی است. امام خمینی (ره) در استفتائات به بلاد اسلامی اشاره و اینکه نصرانی در بلاد اسلامی باید مقررات بلد اسلامی را گردن نهد و اینکه اگر تابع مقررات دولت اسلامی نباشد در حکم کافر حربی است (خمینی، مجموعه آثار، استفتائات ج ۲: ۱۲۵). امام خمینی (ره) در رساله توضیح المسائل به واژه کافر ذمی اشاره دارد (خمینی، مجموعه آثار، رساله توضیح المسائل ۲۷۹). امام در موارد دیگر فقهی به اقسام کافر اعم از کتابی، مشرک، حربی، غالی، ناصبی، خارجی و مرتد فطری و ملی اشاره و در شرح عروه تقسیم‌بندی دار الاسلام و دار الکفر را رد نمی‌کند (خمینی، مجموعه آثار، التعلیقه علی العروه: ۱۸۸). در تحریر الوسیله امام به بلاد مسلمین، دار الاسلام و دار الکفر اشاره دارد. (خمینی، مجموعه آثار، تحریر الوسیله: ۶۷ و ۶۹۴). در بحث احیاء زمین‌های اموات هم، امام به واژه دار الاسلام و دار الکفر اشاره دارد. (خمینی، مجموعه آثار، تحریر الوسیله: ۶۶۱). امام در بحث نکاح (خمینی، مجموعه آثار، تحریر الوسیله ۷۳۱). و رساله نجات العباد (رساله نجاه العباد: ۱۳۸۵: ۱۹۱ و ۲۰۰). به کافر حربی و کافر ذمی اشاره دارد. ایشان بارها در مسائل فقهی مختلف در مکاسب محرمة از اهل حرب و ذمه (المکاسب المحرمه، ج ۱، ص:

۲۳۰-۲۳۱)، کافر حربی و ذمی (مجموعه آثار، تحریر الوسیله ۹۷)، کافر ذمی، حربی، مستأمن و معاهد (امام خمینی (ره) تحریر الوسیله ۹۱۰). استفاده و به احکام آن اشاره می‌کند. بیانات و اعلامیه‌های امام خمینی (ره) نیز مؤید استنباط تقسیم‌بندی عقیدتی اسلام و کفر حربی از نظر امام برای محیط بین‌المللی است. امام قطب‌بندی شرق و غرب را به‌وضوح با شعار نه شرقی و نه غربی رد نمود و همواره به هر دو قطب و کسانی که این قطب‌بندی را پذیرفته‌اند انتقاد می‌نمود (خمینی، مجموعه آثار، وصیت‌نامه: ۳۶-۳۷). امام نظام دوقطبی اسلام و کفر را مطرح و تأکید داشت که صلح بین اسلام و کفر معنا ندارد و (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۱۴: ۱۶۴). و بر اساس همین نگاه مفهوم استکبارستیزی را مطرح و تز جنگ بین استکبار و اسلام را مطرح کرد (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۲۱: ۶۸-۶۹).

امام خمینی (ره) در عین حال که اعتقاد به تقسیم‌بندی دارالاسلام و دارالحرب دارد اما با توجه به شرایط جدید بین‌الملل و تعیین ملت-دولت‌ها به‌عنوان بازیگران روابط بین‌الملل امام با استفاده از واژگان امروزی مانند بلاد مسلمین، بلاد کفر، دولت اسلامی، کشورهای اسلامی، مفهوم ملت-دولت را مورد تأیید قرار می‌دهد. تأیید مفهوم وطن‌خواهی که در مبانی فرعی به آن پرداخته شد نیز مؤید دیدگاه مثبت امام در مورد تأیید مفهوم ملت-دولت است. به‌عنوان مثال امام خمینی (ره) در کتاب استصحاب، به اصطلاحات بلاد اسلام و بلاد مسلمین و بلاد کفر اشاره دارد (خمینی، مجموعه آثار، استصحاب: ۱۱۱). در بحث خرید از بازار کفار نیز به عبارت بلاد کفر اشاره دارد. (خمینی، مجموعه آثار، تحریر الوسیله: ۹۵).

اصل استعمار و استثمارستیزی

امام خمینی (ره) در تداوم بحث تقسیم‌بندی اسلام و کفر حربی، با توجه به شرایط جدید جامعه بین‌الملل، اصول جدید تکمیلی و تشریح‌کننده‌ای را نیز اضافه می‌نماید. در کتاب ولایت‌فقیه به نقش استعمار در معرفی ناقص و نادرست اسلام می‌پردازد و اشاره می‌کند که استعمارگران از سیصد سال پیش، یا بیشتر به کشورهای اسلامی راه پیدا کردند و برای رسیدن به مطامع استعماری خود لازم دیدند که زمینه‌هایی فراهم سازند تا اسلام را نابود کنند. آن‌ها در اثنای جنگ‌های صلیبی احساس کردند آنچه سدی در مقابل منافع مادی آن‌هاست و منافع مادی و قدرت سیاسی آن‌ها را به خطر می‌اندازد، اسلام و احکام اسلام است و ایمانی که مردم

به آن دارند. پس، به وسایل مختلف بر ضد اسلام تبلیغ و دسیسه کردند. مبلغینی که در حوزه‌های روحانیت درست کردند و عمالی که در دانشگاه‌ها و مؤسسات تبلیغات دولتی یا بنگاه‌های انتشاراتی داشتند و مستشرقینی که در خدمت دولت‌های استعمارگر هستند، همه دست‌به‌دست هم داده در تحریف حقایق اسلام کار کردند. به‌طوری‌که بسیاری از مردم و افراد تحصیل‌کرده نسبت به اسلام گمراه و دچار اشتباه شده‌اند (خمینی، مجموعه آثار، ولایت‌فقیه: ۹). امام خمینی (ره) در وصیت‌نامه سیاسی الهی خود به لزوم قطع دست استعمار اشاره و علاوه بر مفهوم استعمار به مفهوم استثمار نیز اشاره می‌کند و آن‌ها را در دو سطح خارجی و داخلی معرفی می‌کند (امام خمینی، مجموعه آثار، وصیت‌نامه، ۱۹). استثمارستیزی و استثمارستیزی به‌عنوان اصول فقهی در فقه روابط بین‌الملل امام در حالی مطرح می‌گردد که در تداوم همان تقسیم‌بندی عقیدتی اسلام و کفر مطرح می‌شود و درواقع با توجه به شرایط دوره جدید و نوع جدید مداخله قدرت‌های استعماری، امام خمینی (ره) با بازخوانی دارالاسلام و دارالکفر، و با اجتهاد از مبانی فقهی، اصل جدیدی را معرفی می‌کند.

دشمنی با آمریکا

امام خمینی (ره) در وصیت‌نامه خود آمریکا را در رأس دشمنان خدای بزرگ و قران و اسلام معرفی می‌کند (خمینی، مجموعه آثار، وصیت‌نامه: ۸-۹). در جای دیگر می‌گوید تا آخر ایستاده‌ایم و با آمریکا روابط ایجاد نخواهیم کرد مگر این‌که از ظلم کردن دست بردارد (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ح ۱۹: ۹۵). امام بارها عبارت شیطان بزرگ (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۲۱: ۵۰، ۶۹). و همچنین عباراتی چون آمریکای سلطه‌گر و جنایتکار و تعبیر دیگر را بارها در مورد آمریکا بکار برد (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۲۱: ۶۹). دشمنی با آمریکا نیز اصل فقهی جدیدی است که در تداوم اصل تقسیم‌بندی عقیدتی اسلام و کفر از سوی امام مطرح شده است.

دشمنی با صهیونیسم و اسرائیل

امام خمینی (ره) همچنین دشمنی با اسرائیل را نیز در فقه سیاسی خود اضافه نموده است. امام در فقه فتوایی خود برقراری هرگونه رابطه با اسرائیل را مستثنی می‌کند (خمینی، مجموعه آثار، توضیح المسائل ۴۵۷). و می‌فرماید اسرائیل با تباری و همفکری دولت‌های استعماری غرب

و شرق زاپیده شد و برای سرکوب و استعمار ملل اسلامی به وجود آمد و امروز از طرف همه استعمارگران حمایت و پشتیبانی می‌شود (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۲: ۴۳۸). و صهیونیسم را دشمن سرسخت اسلام و انسانیت معرفی می‌کند (مدنی ۱۳۸۹ ج ۲: ۱۷۰). امام در اعلامیه سالروز ۱۵ خرداد سال ۴۳ نیز اشاره می‌کند علمای اسلامی وظیفه‌دارند از اسرائیل و عمال اسرائیل و دشمنان قرآن مجید و اسلام و کشور برائت جویند (مدنی ۱۳۸۹ ج ۲: ۹۲). او تأکید داشت اسرائیل از نظر اسلام و مسلمین و تمامی موازین بین‌المللی، غاصب و متجاوز است و طرفداری از طرح استقلال اسرائیل و شناسایی او برای مسلمانان یک فاجعه و برای دولت‌های اسلامی یک انفجار است. امام خمینی (ره) پس از پیروزی انقلاب، آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را به‌عنوان روز قدس نام‌گذاری کرد (خمینی، مجموعه آثار، زندگینامه ۱۸۹).

صدور انقلاب و دعوت

اصل دعوت و صدور انقلاب نیز در تداوم همان نگاه ایدئولوژیک امام خمینی (ره) به روابط بین‌الملل در نظر گرفته می‌شود. امام خمینی (ره) در کتاب ولایت‌فقیه، دعوت را جهاد اعتقادی خارجی اسلام معرفی می‌کند و با اتصال آن به اصل امر به معروف و نهی از منکر، آن را بخشی از امر به معروف و نهی از منکر معرفی می‌کند (خمینی، مجموعه آثار، ولایت‌فقیه: ۱۰۹). البته امام هم معتقد است جهاد ابتدائی فقط مخصوص زمان حضور امام است و به این ترتیب دعوت مخصوص به شروع جهاد ابتدائی نیز مخصوص زمان حضور امام خواهد بود. باین‌وجود، امام دعوت را در معنایی فراتر از بحث جهاد ابتدائی بکار می‌برد و آن را به‌عنوان جهاد اعتقادی خارجی اسلام معرفی می‌کند. امام خمینی (ره) همچنین از اصل دعوت، اصل صدور انقلاب را نیز استخراج نموده و اشاره می‌کند که صدور انقلاب به معنای صدور ارزش‌های انسانی (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۱۷: ۴۱۱). و صدور اسلام به همه دنیا است و دعوت را نیز به‌عنوان ابزار صدور معرفی کرد (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۱۸: ۱۵۷).

تبلیغ در روابط بین‌الملل

امام خمینی (ره) در مسیر جدیت برای تشکیل حکومت اسلامی، اولین فعالیت را تبلیغات می‌داند و می‌گوید بایستی از راه تبلیغات، کارها را پیش برد (خمینی، مجموعه آثار، ولایت‌فقیه: ۱۲۷). همچنین می‌گوید در شرایط کنونی که سیاست‌های استعماری و حکام ستمگر و خائن و

یهود و انصاری و مادیون در تحریف حقایق اسلام و گمراه کردن مسلمانان تلاش می‌کنند، مسئولیت برای تبلیغات و تعلیمات بیش از هر وقت است (خمینی، مجموعه آثار، ولایت فقیه: ۱۲۸). امام تأکید می‌کند که باید از راه تبلیغات ابهام ایجاد شده بر اثر تبلیغات سوء چند صدساله را برطرف کرد و باید جهان‌بینی و نظامات اجتماعی اسلام و حکومت اسلامی را معرفی کرد (خمینی، مجموعه آثار، ولایت فقیه: ۱۳۱). به همین دلیل، امام تبلیغ مذاهب کفار چه ذمی و غیر آن، در بلاد مسلمین و نشر کتب ضاله‌شان و دعوت مسلمین و فرزندان آن‌ها به مذاهب باطلشان را جایز نمی‌داند و از مسئولین دولت‌های اسلامی می‌خواهد تا مانع این کار شوند (خمینی، مجموعه آثار، تحریر الوسیله: ۹۰۱).

امام اشاره دارد که رادیو و تلویزیون و مطبوعات و سینماها و تئاترها از ابزارهای مؤثر تباهی و تخدیر ملت‌ها، خصوصاً نسل جوان بوده است (خمینی، مجموعه آثار، وصیت‌نامه: ۶۶). و در توصیه به وزارت خارجه اعلام می‌کند مسئله تبلیغ تنها به عهده وزارت ارشاد نیست بلکه وظیفه همه دانشمندان و گویندگان و نویسندگان و هنرمندان است و باید وزارت خارجه کوشش کند تا سفارتخانه‌ها نشریات تبلیغی داشته باشند و چهره نورانی اسلام را برای جهانیان روشن نمایند (خمینی، مجموعه آثار، وصیت‌نامه: ۵۸). این نظرات فقهی امام خمینی (ره) مؤید اهمیت اصل تبلیغ در نگاه امام خمینی (ره) است و می‌توان آن را به‌عنوان یک اصل فقهی برای روابط بین‌الملل از منظر امام مورد استنباط قرارداد.

منع سلاح‌های کشتار جمعی

امام خمینی (ره) در پاسخ پیام تبریک رئیس‌جمهور بلغارستان از استفاده از سلاح شیمیایی توسط صدام علیه مردم حلبچه، تعبیر به جنایت می‌کند (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۲۱: ۲۴). امام در پیام دیگری استفاده از بمب‌های شیمیایی توسط صدام را به‌عنوان نقض حقوق و قوانین بین‌المللی قلمداد می‌کند (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۲۰: ۳۲). امام همچنین خواستار کنترل و حذف سلاح‌های مخرب از جهان شد و آن را خواسته همه ملت‌ها دانست (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۲۱: ۹۱). امام اقدام ابرقدرت‌ها را برای ایجاد سلاح‌های کشتار جمعی مورد انتقاد قرارداد و آن را برای آینده بشر خطرناک معرفی کرد (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه امام، ج ۱۷: ۷۹-۸۱).

منع جهاد ابتدائی در زمان غیبت

از نظر امام خمینی (ره) جهاد ابتدائی مخصوص زمان و حضور معصوم است (شکوری ۱۳۶۱: ج ۲ ۴۳۷ به نقل از تحریر الوسیله ج ۱: ۴۸۵). امام خمینی (ره) پس از پیروزی انقلاب اسلامی تأکید کرد که ایران برای خدا قیام کرده است و برای خدا ادامه می‌دهد ولی جز دفاع، جنگ ابتدایی با هیچ‌کس نخواهد کرد (خمینی، صحیفه ج ۱۶: ۳۹۳). بنابراین منع جهاد ابتدائی در فقه سیاسی و روابط بین‌الملل امام خمینی (ره) به‌عنوان یک اصل فقهی قابل‌شناسایی است.

وجوب دفاع مشروع

امام خمینی (ره) در پاسخ به یک استفتاء فرمود بر تمام مکلفین واجب است به هر نحو که ممکن باشد از دین خدا و نظام جمهوری اسلامی دفاع نمایند و مشروط به اجازه نیست (خمینی، مجموعه آثار، استفتائات ج ۳: ۴۲). امام خمینی (ره) در استفتائی دیگر مبنی بر اینکه آیا برای نبرد با سربازان باطل ورود به سرزمین آنان جایز است یا نه؟ فرمود دفاع از اسلام و بلاد مسلمین تا هرکجا که لازم باشد واجب است تعقیب شود (خمینی، مجموعه آثار، استفتائات ج ۳: ۴۴). در یک استفتاء مبنی بر اینکه آیا برای دفاع از اسلام و جمهوری اسلامی اجازه امام یا مرجع تقلید لازم است یا خیر؟ فرمود دفاع از اسلام و جمهوری اسلامی به هر نحو ممکن بر تمام مکلفین واجب است و مشروط به اجازه نیست (خمینی، مجموعه آثار، استفتائات ج ۱: ۴۹۲). همچنین در سؤال از اینکه در چه صورت شرکت در جبهه اسلام بر همگان واجب است؟ فرمود در موقعی که اسلام یا بلد اسلامی مورد هجوم واقع شود و به‌قدر کفایت نیروی مدافع در جبهه حاضر نشده باشد، بر همگان واجب است. (خمینی، مجموعه آثار، استفتائات ج ۱: ۴۹۳).

تألیف قلوب

امام خمینی (ره) معتقد به عمومیت و شمول اصل تألیف قلوب بر کفار و مسلمین بود. ایشان در تحریر الوسیله می‌فرماید مؤلفه قلوبهم آن عده از کفار هستند که با تألیف قلوب قصد می‌شود که آنان به جهاد و مبارزه ترغیب می‌شوند و یا اینکه گرایش بدین اسلام پیدا کنند. همین‌طور آن عده از مسلمانان که عقیده آنان نسبت به اسلام ضعیف است مشمول تألیف قلوب هستند (شکوری ۱۳۶۱ ج ۲: ۴۹۵ به نقل از تحریر الوسیله ج ۱: ۳۳۶ مسئله ۱۲). امام خمینی (ره) قائل به تداوم حکم تألیف قلوب بعد از پیامبر (ص) است. هست (شکوری ۱۳۶۱ ج ۲: ۵۰۳ به

نقل از تحریر الوسيله ج ۱: ۳۳۶). از نظر وی حتی جایز است صدقه مستحب را به کافر ذمی برای تألیف قلوب بدهند. ولی دادن صدقه به کافر حربی و ناصبی را اگرچه از خویشاوندان باشد، جایز نمی‌داند. (رساله نجاه العباد ۱۳۸۵: ۳۰۹). امام معتقد بود فتح قلوب از فتح ممالک بالاتر است و با فتح قلوب، فتح ممالک نیز شود و فتوحات اسلامیّه در اثر فتح قلوب ممکن شد و آلا با آن عده و عده، این پیشرفت‌ها غیرممکن بود. (شرح حدیث جنود عقل و جهل ۱۳۸۷: ۳۱۶). امام در سیره سیاسی خود نیز با تأسیس کمیته امداد، حساب ۱۰۰ امام و بنیاد ۱۵ خرداد و بنیاد مستضعفان و جانبازان و حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش و ابتکاراتی از این دست، به‌طور عملی نیز اقدام در راستای تألیف قلوب مسلمین و غیر مسلمین را انجام داد.

صلح محوری در روابط بین الملل

امام خمینی (ره) معتقد بود اسلام دین صلح است و جنگ به اسلام مربوط نیست (خمینی، مجموعه آثار، تفسیر سوره حمد ۲۴۰). اصالت صلح در رویکرد فقهی امام می‌تواند به‌عنوان یک اصل فقهی در زمینه روابط بین‌الملل مورد استنباط قرار گیرد. سیره عملی و سیاسی امام نیز این اعتقاد را روشن‌تر می‌سازد. ایشان در پاسخ به فشارهایی که در زمان جنگ تحمیلی بر ایران برای پذیرش صلح و آتش‌بس وارد شد، می‌فرمود ما صلح را قبول داریم و از آن استقبال می‌کنیم ولی صلحی که از نظر اسلامی شرافتمندانه باشد (مجموعه آثار، صحیفه ج ۱۷: ۲۹). امام تأکید داشت که نظر اسلام آن است که همه عالم در صلح و صفا باشند و اگر جمهوری اسلامی قدرت داشت، اصلاً باروت و قوای منفجره را از بین می‌برد تا عالم از جنایت‌ها خالی بشود (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۱۵: ۱۱۸). ایشان جنگ را ناشی از بی‌عدالتی می‌دانست و می‌گفت اگر عدالت و انسانیت در همه جا بود اصلاً جنگ نمی‌شد (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۱۷: ۴۷۷).

مصلحت مسلمین در روابط بین الملل

امام خمینی (ره) در موارد مختلف فقهی در بحث مالکیت، تصرف اموال توسط ولی فقیه، (خمینی، مجموعه آثار، استفتائات ج ۳: ۴۸۲). عقد رابطه سیاسی و تجاری با دول اسلامی و اجانب و قطع آن (خمینی، مجموعه آثار، رساله توضیح المسائل ۴۵۷). و ترک فروش اسلحه به کفار (المکاسب المحرمه ج ۱: ۲۲۷-۲۲۸). به اصل مصلحت استناد می‌کند. امام از این بالاتر،

مصلحت را از شئون حکومت اعلام می‌کند. (المکاسب المحرمه ج ۱: ۲۲۷).. با توجه به اینکه امام اصل مصلحت را در ارتباط با تعاملات با کفار و دولت‌های دیگر و از شئون حکومت مطرح می‌کند، می‌توان آن را به‌عنوان یک اصل فقهی درزمینه روابط بین‌الملل از دیدگاه فقهی امام استنباط کرد. سیره امام در زمان حکومت نیز مؤید این اصل بود. امام تأکید داشت مصلحت نظام از امور مهمی است که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می‌گردد (سید باقری ۱۳۸۸: ۲۴۲ به نقل از صحیفه ج ۲۰: ۱۷۶). در اندیشه امام، مصلحت، راهنمایی است که می‌تواند نظام اسلامی را کارآمد و پیشرو سازد. ایشان این آموزه فقه شیعه را اصلی می‌داند که موجب توانمندی نظام اسلامی در عرصه جهانی می‌شود. بهره اصلی اصل مصلحت در نظر امام آن است که دیگر دشمنان نمی‌توانند اسلام را متهم کنند که در پیچ‌وخم‌های اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی قادر به اداره جهان نیست (سید باقری ۱۳۸۸: ۲۴۲-۲۴۳ به نقل از صحیفه ج ۲۱: ۶۱).

ج- معرفت‌شناسی و روش‌شناسی امام خمینی

امام خمینی(ره) قائل به وجود دوجهان مادی و معنوی امکان شناخت هر دو با روش‌های خاص خود است. ایشان برای شناخت مادی، حس و برای شناخت جنبه معنوی و الهی، عقل را لازم می‌دانست. بنابراین ایشان معیار شناخت در جهان بینی الهی را مشتمل بر حس و عقل می‌دانست. البته امام خمینی(ره) شناخت حسی را نیز به شناخت عقلی متکی می‌دانست (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۲۱: ۲۲۱-۲۲۵). امام خمینی(ره) همچنین استفاده از روش‌های علمی برای شناخت را نیز مورد تأیید قرار می‌دهد و می‌گوید اسلام مخالف با علم نیست(خمینی، مجموعه آثار، ولایت‌فقیه: ۱۴۰). او در وصیت‌نامه سیاسی الهی خود نیز اشاره دارد که علم و صنعت مورد تأکید اسلام و قرآن مجید است(خمینی، مجموعه آثار، وصیت‌نامه: ۲۲). اضافه بر شناخت حسی و شناخت عقلی، ایشان شناخت دیگری را نیز به نام شناخت غیبی و شهودی مطرح می‌کند که برای شناخت عالم غیب لازم است. امام خمینی(ره) در نامه به گورباچف فرمود بار دیگر به دو جهان بینی مادی و الهی بیندیشید و هستی را اعم از غیب و شهادت معرفی می‌کند. همچنین متذکر می‌گردد که قرآن مجید اساس تفکر مادی را نقد

می کند و اینکه در حیوان و انسان چیز دیگری است که فوق ماده است و از عالم ماده جدا است و با مردن ماده نمی میرد و باقی است (خمینی، مجموعه آثار، صحیفه ج ۲۱: ۲۲۱-۲۲۵). امام خمینی (ره) جدای از حس و عقل، نقل و وحی را نیز به عنوان یکی از روش های شناخت معرفی می نماید و تأکید دارد که در اسلام همه قوا تابع قوه عقل و عقل هم تابع شرع است (خمینی، مجموعه آثار، شرح حدیث جنود عقل و جهل ۲۸۴). رویکرد فقهی ایشان همواره بر خردگرایی و اهمیت عقل و خرد تأکید داشت منتهی با توجه به اینکه خردگرایی در مکاتب غربی و غیر اسلامی نیز به عنوان یک مبنا برجسته گردیده بود، تأکید دارد که خردگرایی مورد نظر اسلام با خرد گرایی مورد نظر مکاتب غربی متفاوت است و در اسلام عقل تابع شرع است. رویکرد سیاسی عملی وی نیز این مسئله را تأیید نمود و رفتارهای او همواره عقلانی و در چارچوب شرع بود.

نتیجه گیری

در این پژوهش تلاش شد تا با استفاده از روش شناسی اجتهادی با بررسی آثار فقهی امام خمینی، نگاه فقهی وی در قبال روابط بین الملل استخراج گردد. بر این اساس، نگاه انسان شناسانه، هستی شناسانه و معرفت شناسانه و روش شناسانه امام خمینی (ره) به عنوان آغازگر دوره فقهی انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گرفت. در نگاه انسان شناسانه فقهی وی، مشخص گردید که امام خمینی (ره) قائل به دویعدی بودن وجود انسان و برخورداری از دو جنبه الهی و شیطانی است و اینکه با پیروی از تعالیم انبیاء، جنبه الهی وجود انسان شکوفا و بارور شده و زمینه برای رشد و پیاده شدن ارزش های الهی و اسلامی فراهم می گردد و با پیروی از هوای نفس و خواسته های نفسانی، جنبه حیوانی انسان رشد می یابد.

در بحث هستی شناسی، مبانی و اصول فقهی ذیل در زمینه روابط بین الملل از فقه امام خمینی (ره) استخراج شد. به عنوان مبانی فقهی اصلی، خدامحوری، اسلام محوری، اخلاق محوری، ولایت محوری، عدالت محوری و مبارزه با ظلم محوری و به عنوان مبانی فقهی فرعی معنویت محوری، نفی ماتریالیسم، رد نگاه غربی به مساوات زن و مرد، رد سرمایه داری، رد کمونیسم و سوسیالیسم، نفی ناسیونالیسم، رد لیبرالیسم، عینیت دیانت و سیاست، نفی استبداد

و تأیید جمهوری اسلامی، ضرورت تأسیس حکومت اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر و ولایت فقیه استخراج شد.

در بخش اصول فقهی عام، حرام بودن اکل سحت، وفای به عهد، منع خدعه و امانت‌داری در حکومت و حمایت از مستضعف در برابر مستکبر استخراج و به‌عنوان اصول فقهی خاص، نفی سلطه و سلطه‌پذیری از کفار بر مسلمین، منع موالات نسبت به کفار، لزوم حفظ حرمت مسلم، اعتلای اسلام، لزوم حفظ کیان اسلام، عدم جواز رابطه و همکاری و تجارت با کفار در صورت بیم آسیب به مسلمین و خلاف مصلحت بودن آن و لزوم آمادگی دفاعی باهدف بازدارندگی، اعتقاد به تقسیم‌بندی عقیدتی اسلام و کفر، اصل استعمار و استثمارستیزی، دشمنی با آمریکا، دشمنی با اسرائیل، لزوم حفظ استقلال دولت اسلامی، اتحاد کشورهای اسلامی و طرح مفهوم امت اسلامی، صدور انقلاب و دعوت، تبلیغ در روابط بین‌الملل، منع سلاح‌های کشتار جمعی، وجوب دفاع مشروع، تألیف قلوب، منع جهاد ابتدائی در زمان غیبت، صلح محوری در روابط بین‌الملل مصلحت مسلمین در روابط بین‌الملل، استخراج گردید.

با توجه به مبانی و اصول فقهی استخراج‌شده، فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه نگاه امام به روابط بین‌الملل نیز بر اساس تقسیم‌بندی اسلام و حرب است، مورد تأیید قرار گرفت. مشخص گردید که امام خمینی (ره) نیز قائل به تقسیم‌بندی عقیدتی اسلام و کفر بوده منتهی با توجه به تغییرات روابط بین‌الملل در عصر حاضر، امام خمینی (ره) مفهوم جدید ملت - دولت را به‌عنوان مفهوم محوری روابط بین‌الملل مدرن مورد تأیید قرار داده درعین حال با طرح مفهوم وحدت کشورهای اسلامی و امت واحده و نفی ناسیونالیسم تلاش نموده تا چالش وارده بر مفهوم دار الاسلام را برطرف نماید. همچنین امام خمینی (ره) با طرح آمریکا و اسرائیل ستیزی، استکبار و استعمارستیزی، مصادیق جدیدی را برای دار الحرب عنوان نموده که در روابط بین‌الملل امروز معنا و مفهوم پیدا می‌کند و جمهوری اسلامی ایران را در ستیز با این دشمنان جدید معرفی می‌کند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- ابراهیمی، شهروز، ستوده، علی اصغر، شیخون، احسان (۱۳۸۹). «رویکرد اسلامی به روابط بین الملل در مقایسه با رویکردهای رئالیستی و لیبرالیستی»، **دانش سیاسی**، سال ششم، شماره دوم، پاییز و زمستان.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۹). «صلح و امنیت بین المللی: رویکردی اسلامی» در دکتر حسین پوراحمدی، **اسلام و روابط بین الملل**: دانشگاه امام صادق (ع).
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹). **اسلام و روابط بین الملل**، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). **روابط بین الملل در اسلام**، قم: انتشارات اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (ب) (۱۳۹۰). در دیدار دست‌اندرکاران بنیاد هاد، تاریخ ۱۳۹۰/۹/۲۱
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰). «اصول روابط بین الملل در نظام اسلامی»، در محمود واعظی، **دین و روابط بین الملل**، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- خراسانی، آخوند (۱۳۹۰). فتاوا و استفتاءات سیاسی - اجتماعی آخوند خراسانی، شامل فتاوی کتاب حیاة الإسلام فی أحوال آیة الملك العلام و کتاب سیاست نامه آخوند خراسانی). در **مجموعه آثار، فقه فتوایی**، ج ۳. در دبیرخانه علمی کنگره آخوند خراسانی، فقه فتوایی (۳ جلد)، قم: ناشر: کنگره آخوند خراسانی، نوبت چاپ اول، قابل دسترسی در مجموعه آثار آخوند ملا محمدکاظم خراسانی، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۷). **جهاد اکبر، موضوع: اخلاقی**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هیجدهم.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۸). **سر الصلاة (معراج السالکین و صلاة العارفين)**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سیزدهم.
- خمینی، روح‌الله (۱۴۱۰ق). **تعلیقات علی شرح «فصوص الحکم» و «مصباح الأئس»**، موضوع: **عرفان**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، مؤسسه پاسدار الاسلام.
- خمینی، روح‌الله، **صحیفه امام (۲۱ جلد)**، موضوع: **مجموعه سخنرانی و...**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۰). *آداب الصلاة (آداب نماز)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول.
- خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۸۴، *تحریر الوسيلة*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۴ ش - ۱۴۲۶ ق، چاپ دوم.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹). «اسلام و نظریه‌های روابط بین‌الملل: رویکردی فرا نظری» در حسین پوراحمدی، *اسلام و روابط بین‌الملل*، دانشگاه امام صادق.
- سلیمی، حسین (۱۳۹۰). «روش شناخت در روابط بین‌الملل»، *جزوه درسی مقطع دکترا* در رشته روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی.
- شریعتی، روح‌الله، ۱۳۸۷، *قواعد فقه سیاسی*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- عباسی، محمد مسعود (۱۳۸۶). *ترجمه و شرح کفایة الأصول*، ج اول، قم: ناشر: دارالفکر، نوبت چاپ اول.
- فوزی، یحیی (۱۳۹۰). «اسلام و سیاست بین‌الملل: بررسی موردی دیدگاه امام خمینی (ره) به سیاست بین‌الملل» در محمود واعظی، *دین و روابط بین‌الملل*، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- مصباح شهرستانی، سید ابراهیم، «مفهوم مبانی و اصول مدیریت اسلامی»، در ولی‌الله نقی پورفر، *اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن*، موسسه عالی آموزشی و پژوهشی مدیریت و برنامه‌ریزی، چاپ ۱۶.
- واعظی، محمود (۱۳۹۰). *دین و روابط بین‌الملل*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

ب) منابع عربی

- خمینی روح‌الله (۱۳۳۸). *کتاب البیع (۵ جلد)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). *التعليقه على الفوائد الرضوية*، (عرفانی)، تهران: ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، چاپ دوم.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). *المکاسب المحرمة*، (۲ جلد). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم.

- خمینی، روح الله (۱۳۷۸). *التعليق على العروة الوثقى*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم.
- خمینی، روح الله (۱۳۸۴). *الاجتهاد و التقليد، (اصولی)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم.
- خمینی، روح الله (۱۳۸۴). *التعادل و الترجيح (اصولی)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم (مطلبی یافت نشد).
- خمینی، روح الله (۱۳۸۴). *الخلل في الصلاة، موضوع: فقهی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم.
- خمینی، روح الله (۱۳۸۵). *الاستصحاب (اصولی)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم.
- خمینی، روح الله (۱۳۸۵). *أنوار الهداية في التعلقه على الكفايه، (۲ جلد)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم.
- خمینی، روح الله (۱۳۸۷). *الطلب و الإرادة*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.
- خمینی، روح الله (۱۳۸۷). *بدائع الدرر في قاعده نفي الضرر*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.
- خمینی، روح الله (۱۳۸۸). *سر الصلاة (معراج السالكين و صلاة العارفين)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سیزدهم.
- خمینی، روح الله (۱۴۱۰ق). *تعليقات على شرح «فصوص الحکم» و «مصباح الأنس»*، موضوع: عرفان، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، مؤسسه پاسدار الاسلام.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۸۴). *تحریر الوسيله*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم.